



کمیسیون خدمات فنی مهندسی واحداث



مرکز پژوهش های اتاق ایران

پرسش‌ها و ایده‌های بنیادین درباره سیاست گذاری پیشرفت و آبادانی منطقه مکران



اسفند ۱۴۰۳

شناسنامه گزارش



کمیسیون خدمات فنی مهندسی واحداث



مرکز پژوهش های اتاق ایران

عنوان:

پرسش ها و ایده های بنیادین درباره
سیاست گذاری پیشرفت و آبادانی منطقه مکران

مدیریت دیپلماسی اقتصادی و آینده پژوهی و کمیسیون خدمات فنی مهندسی و احداث

تهیه کننده: محمد فاضلی

تاریخ انتشار: اسفند ۱۴۰۳

واژه های کلیدی: مکران، اشتغال، اقتصاد سیاسی، سیاست صنعتی، ژئوپلتیک-ژئواکونومیک،

نشانی: تهران، خیابان طالقانی، نبش خیابان شهید موسوی (فرصت)، پلاک ۱۷۵

فهرست مطالب

۵	مقدمه
۱۰	۱- مُکران: خوابگاه، کارگاه یا زیستگاه؟
۱۴	۲- مُکران: چه نوع کارگاهی؟
۲۲	۳- تعادل آبادانی در شمال و جنوب خلیج فارس و دریای عمان
۲۷	۴- چه مدلی از حکمرانی اقتصادی برای پیشرفت؟
۳۱	۵- با کدام سیاست صنعتی؟
۳۶	۶- چه آورده‌ای برای اقتصاد ایران؟
۴۱	۷- کدام جانمایی در کدام نظم ژئوپلتیک-ژئواکونومیک؟
۴۸	منابع

مقدمه

سند «توسعه منطقه ساحلی مکران» در تاریخ ۱۳۹۹/۷/۲۲ به تصویب شورای عالی آمایش سرزمین رسیده و در تاریخ ۱۳۹۹/۲/۲۰ برای اجرا ابلاغ شده است. سه سال بعد از آن در دی‌ماه ۱۴۰۲ معاون اول رئیس‌جمهور در شورای توسعه سواحل مکران از ضرورت توسعه این منطقه طبق یک نقشه و سند آمایش سرزمینی گفته است. مطالب زیر در همین جلسه اعلام می‌شود.

- ایجاد ۲۷ شهر و نقطه جدید ساحلی از مهم‌ترین برنامه‌های دولت سیزدهم برای فعال‌سازی اقتصاد دریامحور است که از این تعداد، حدود ۱۰ شهر در منطقه مکران قرار دارد.

- توسعه منطقه مکران با دیدگاه آبادسازی سواحل، توسعه دریامحور و نگاه راهبردی به مناطق دریایی دیده شده است که این طرح ۵ ساله توسعه بر اساس بررسی اسناد فرادستی همانند طرح آمایش سرزمین، طرح آمایش استان‌های سیستان و بلوچستان و هرمزگان، طرح توسعه و عمران منطقه ساحلی مکران و سند طرح جامع مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی ایران، تهیه شده است.

- بر این اساس، بارگیری و انتقال ۱۵ میلیون تن کالا در سال در مسیر کریدورهای بین‌المللی، گسترش سکونت‌گاه‌ها و شهرهای موجود و ایجاد شهرهای جدید به میزان ۲ میلیون و پانصد هزار نفر، گسترش زیرساخت‌های فرهنگی و آموزشی، تولید و انتقال ۱۷ هزار مگاوات برق، تأمین و انتقال ۳ میلیون متر مکعب آب شرب کشاورزی و صنعتی، ایجاد ۴۰۵۰ تخت درمانی و ایجاد ۵ منطقه پیشران اقتصادی در سواحل و توسعه صنایع نفت و گاز و پتروشیمی، معدنی و گردشگری، شیلات و کشاورزی، کشتی‌سازی و پشتیبانی بندری، صنایع الکترونیک و حمل‌ونقل از جمله اهداف برنامه ۵ ساله سواحل مکران است.

کلیات طرح توسعه سواحل مکران در این جلسه بررسی شده و کلیات آن تصویب می‌شود. شواهد نشان می‌دهد حکمرانان و سیاست‌گذاران سال‌هاست که در پی استفاده از ظرفیت منطقه مکران هستند. مجموعه‌ای از اسناد، طرح‌ها و برنامه‌ها هم برای همین منظور تهیه شده است. متن حاضر استدلال می‌کند که برای بهره‌گرفتن از ظرفیت‌هایی که منطقه مکران برای پیشرفت و آبادانی در اختیار قرار می‌دهد، و تبدیل کردن آن‌ها به فرصت‌هایی که در دنیای واقعی به خلق ارزش منتهی شوند، باید نگاهی چندجانبه، میان‌رشته‌ای، راهبردی و توأم با پرسیدن سؤالات بنیادین در پیش گرفت. متن حاضر،

طرح ایده‌هایی برای کمک به خلق همین نگاه راهبردی به منطقه مکران است. هدف این متن، طرح پرسش‌هایی است که حکمرانان و سیاست‌گذاران باید پاسخ دهند تا بتوان به سمت ساختن منطقه‌ای پیشرفته و آباد در جنوب شرقی ایران حرکت کرد، منطقه‌ای که دارای خصایص زیر باشد:

۱. دارای حرکت تدریجی به سمت صنعتی شدن،
۲. پیشرفته از نظر اقتصادی، فناورانه و زیرساخت‌ها،
۳. پایدار از نظر محیط‌زیستی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی،
۴. امیدوارکننده از نظر اجتماعی و ارائه چشم‌اندازی از ظرفیت تحول‌آفرینی در ایران امروز،
۵. ظرفیت‌ساز از نظر نشان دادن توانایی حکومت و جامعه ایران در ایجاد پیشرفت و زیست‌پذیری پایدار؛ و ارتقادهنده ظرفیت حل مسأله در ایران امروز،
۶. تمدن‌ساز از نظر ایجادکننده توازن سطح پیشرفت بین شمال و جنوب خلیج فارس و دریای عمان،
۷. نقش‌آفرین در نشان دادن ظرفیت‌های پیشرفت‌آفرینی و تلفیق پیشرفت و امنیت توأمان.

این متن حاوی نگاه خاصی به بایسته‌های پیشرفت در این منطقه از کشور است و از این منظر رویکردی هنجاری دارد، اما هم‌زمان به تجارب گذشته مداخله دولت و سایر نهادهای حاکمیتی برای توسعه دادن سایر مناطق کشور نیز نیم‌نگاهی دارد. متن تلاش می‌کند نشان دهد برنامه‌ریزی پیشرفت و ساختن منطقه‌ای با زیست‌پذیری پایدار در مکران باید با توجه به چه اصولی صورت گیرد و اهداف اقدامات در این مسیر باید چه باشد.

این متن هیچ اصراری ندارد به تفصیل وارد موضوعات شود، بلکه صرفاً به طرح ایده‌ها در اندازه‌ای قناعت می‌کند که روشنی و وضوح داشته باشند. اگر ایده‌های مطرح‌شده برای ایجاد پیشرفت در منطقه مکران در نظر حکمرانان و سیاست‌گذاران پیشرفت و آبادانی منطقه مکران جذاب باشند و اگر بر سر هدایت راهبردی برنامه‌ریزی سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدامات در این منطقه با کمک ایده‌های مندرج در این متن اجماعی شکل بگیرد، می‌توان ایده‌های مطرح‌شده را بسط داد و با تفصیل بیشتر و متکی بر شواهد دقیق‌تر به تکمیل این متن همت گمارد.

خواننده‌ای که با اسناد رسمی موجود و مصوب درباره توسعه منطقه مکران آشنا باشد، به سرعت

متوجه می‌شود که متن حاضر بخش عمده آن اسناد و محتوای‌شان را به چالش می‌کشد. آن اسناد به برخی از مهم‌ترین رویکردهایی که در این جا مبنا قرار گرفته‌اند اصلاً نمی‌پردازند، و برخی از مهم‌ترین تأکیدات آن اسناد - از جمله یکی از مهم‌ترین آن‌ها یعنی صناعی که برای توسعه در مکران پیشنهاد می‌کنند - با رویکردها و تجویزهای برآمده از متن حاضر در تعارض هستند. اما مهم‌ترین نکته - فراتر از همه تفاوت‌هایی که ممکن است بین این متن و سایر متون مصوب درباره توسعه مکران وجود داشته باشد - این است که پیشرفت و آبادانی مکران فقط در چارچوب نگاهی راهبردی، با طرح پرسش‌هایی بنیادین درباره نسبت پیشرفت و آبادانی مکران با مسائل ایران امروز، و در نسبت بین مکران و همبسته امنیت - پیشرفت، امکان‌پذیر می‌شود.

این متن در نهایت اختصار تهیه شده و صرفاً تلاش می‌کند حکمرانی و سیاست‌گذاری پیشرفت و آبادانی منطقه مکران را به مجموعه‌ای از سؤالات بنیادین متوجه سازد. متن هم‌زمان که پرسشگر است، هشدارآمیز نیز هست. بزرگ‌ترین هشدار متن این است که اگر به سؤالات بنیادینی که در این جا طرح شده توجه نشود، در بهترین حالت همان نتیجه‌ای حاصل می‌شود که در بقیه سرزمین ایران بر اثر رویه‌های سابق حکمرانی و سیاست‌گذاری اقتصادی حاصل شده است. خواننده ممکن است پرسد چرا «در بهترین حالت» تجربه‌های گذشته حاصل می‌شود. چون آنچه امروز در ایران شاهدش هستیم، محصول حکمرانی، سیاست‌گذاری و اجرای اقدامات توسعه‌ای در شرایط دسترسی به ارز فراوان ناشی از فروش نفت، موجود بودن منابع محیط‌زیستی فراوان برای صرف کردن در مسیرهای ناپایدار، و شرایط بین‌المللی به شدت مساعدتر، و هم‌چنین کمتر بودن ظرفیت‌های نارضایتی اجتماعی و سیاسی بوده است. این شرایط مساعد دیگر در دسترس نیستند و با تکرار شیوه حکمرانی و سیاست‌گذاری گذشته، به نتایج حاصل شده در وضع فعلی هم نمی‌توان دست یافت.

این متن حکمرانی و سیاست‌گذاری پیشرفت و آبادانی منطقه مکران را ترغیب می‌کند تا هشت سؤال بنیادین را پاسخ دهد و آن‌گاه به هر گونه ایده برای سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا در این منطقه بیندیشد. این هشت سؤال - که با تفصیل و جزئیات بیشتری در متن تحلیل شده‌اند به شرح زیر است:

۱. منطقه مکران قرار است خوابگاه، کارگاه یا زیستگاه باشد؟ این سه تفاوت‌های بنیادین با هم یکدیگر دارند و در حالی که سیاست‌گذار همواره در پی ساختن زیستگاه بوده، اما عمده شواهد نشان می‌دهد در نهایت خوابگاه‌ها و کارگاه‌های ناپایدار با ظرفیت زیست‌پذیری پایین در ایران

توسعه پیدا کرده‌اند.

۲. منطقه مکران قرار است میزبان چه نوع صناعی باشد؟ این صنایع قرار است چه نسبتی با مسائل واقعی اقتصاد ایران برقرار کنند؟
۳. پیشرفت و آبادانی در مکران قرار است حاوی چه پاسخی به تحولات اقتصادی روزافزون و فزاینده کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس باشد؟ و چه سهمی در تعادل اقتصادی و اجتماعی بین این دو منطقه ایفا کند؟ این پیشرفت و آبادانی قرار است چه پاسخی به انتظارات اجتماعی ایرانیان امروز بدهد که خود را با حاشیه جنوبی خلیج فارس مقایسه می‌کنند؟
۴. پیشرفت و آبادانی مکران قرار است با چه مدلی از حکمرانی اقتصادی صورت گیرد؟ آیا قرار است شاهد الگوی جدید و کارآمدی از حکمرانی اقتصادی باشیم که در صورت موفقیت به سایر مناطق کشور نیز تسری یابد، یا شاهد تکرار و تعمیم دادن الگوهای ناکارآمد و مشکل‌ساز حکمرانی اقتصادی فعلی به منطقه مکران باشیم؟
۵. حکمرانی و سیاست‌گذاری اقتصادی معطوف به دادن پاسخ‌های مناسب به سؤالات ۲، ۳ و ۴ با چه نوع «سیاست صنعتی» توأم می‌شود؟ اصلاً منظور از سیاست صنعتی در بستر پیشرفت و آبادانی مکران به چه معناست و چه الزاماتی دارد؟
۶. حکمرانی و سیاست‌گذاری پیشرفت و آبادانی منطقه مکران قرار است چه آورده‌ای برای اقتصاد ایران داشته باشد؟ آن دسته مسائل اقتصاد ایران که می‌توانند از طریق پیشرفت و آبادانی در مکران پاسخ بیابند، چیست و رویکردهای بنیادین و درست برای پرداختن به این مسائل با طرح چه پرسش‌هایی امکان ظهور و بروز پیدا می‌کنند؟
۷. وضعیت امروز اقتصاد و جامعه ایران از ژئوپلیتیک ایران جدا نیست، و بدون لحاظ کردن توأمان ژئوپلیتیک و ژئواکونومی ایران امروز، نمی‌توان نگاهی راهبردی به مکران داشت. سؤال بنیادین این است که حکمرانی و سیاست‌گذاری پیشرفت و آبادانی مکران باید چگونه و با طرح چه سؤالاتی به مسائل ژئوپلیتیک و ژئواکونومی مکران پردازد؟ پیشرفت و آبادانی مکران چگونه با ضرورت‌های جانمایی ایران در جهان جدید همراه می‌شود، از آن تأثیر می‌پذیرد و بر آن تأثیر می‌گذارد؟
۸. چگونه حکمرانی و سیاست‌گذاری پیشرفت و آبادانی مکران، آزمون توانایی‌های حکمرانی



و درس‌آموزی‌های صورت‌گرفته در چند دهه گذشته است؟ حکمرانی در ایران امروز چگونه می‌خواهد به این چالش بزرگ پاسخ دهد و از ظرفیت مکران برای ظرفیت‌سازی پیشرفت و آبادانی در دنیای جدید استفاده کند. این کار به معنای دادن پیام‌های روشن به جامعه ایرانی و جامعه جهانی (یا حداقل برخی از کشورها و قدرت‌ها) هم هست.

این‌ها هشت دسته پرسش بنیادین هستند که متن حاضر خواننده را به تأمل در آن‌ها فرامی‌خواند. مهم‌ترین مخاطب این متن، نظام حکمرانی و سیاست‌گذاران پیشرفت و آبادانی مکران است، و بدیهی است که کارشناسان بوروکراسی، فعالان و تشکل‌های بخش خصوصی، و همه علاقمندان به استفاده از ظرفیت مکران برای بهبود ایران امروز را هم دعوت می‌کند به پرسش‌ها و چالش‌های مطرح‌شده در این متن پردازند.

امید نهفته در لابه‌لای سطر به سطر این گزارش آن است که همه دغدغه‌مندان ایران عزیز به تأملی جمعی، سازنده و از سر وطن‌دوستی و خیرخواهی درباره بایسته‌های پیشرفت و آبادانی منطقه مکران دعوت شده و اجماعی شایسته درباره شیوه عمل درست در این منطقه شکل بگیرد.

۱- مکران: خوابگاه، کارگاه یا زیستگاه؟

یکی از بزرگ‌ترین تصمیم‌ها در خصوص مکران باید ناظر بر در پیش گرفتن مسیری برای پیشرفت و آبادانی این منطقه باشد که هرگز باعث ایجاد «شهر خوابگاهی» و «شهر کارگاهی» در این منطقه نشده و زیستگاه در آن شکل بگیرد.

شهر خوابگاهی

شهرهایی که به آن‌ها «شهر خوابگاهی» گفته می‌شود، در نزدیکی شهرهای بزرگ و کلان‌شهرها شکل می‌گیرند. این شهرها فاقد حیات اقتصادی مستقلی هستند و بنگاه‌ها، کارگاه‌ها و محل‌های کار بسط یافته که بتوانند نیازهای اقتصادی ساکنان شهر را فراهم کنند، و حیات اجتماعی-اقتصادی مستقل از کلان‌شهر را شکل دهند، در «شهر خوابگاهی» ایجاد نشده یا نمی‌شود.

شهر خوابگاهی به عنوان خوابگاه نیروی کار ایفای نقش می‌کند، خوابگاه نیروی کاری که در کلان‌شهر یا مجتمع‌های کارگاهی نزدیک به شهر خوابگاهی کار می‌کنند. بسیاری از شهرک‌ها در اطراف تهران، و شهرک‌های ساخته شده توسط وزارت نفت در فواصل دور و نزدیک به مناطق کارگاهی مثل مجتمع‌های صنعتی منطقه پارس جنوبی، و کلیه شهرک‌هایی که در نزدیکی مجتمع‌های صنعتی بزرگ قرار دارند و حیات روزانه آن‌ها به شدت تحت تأثیر انتقال نیروی انسانی به محل کار، مختل است، شهر خوابگاهی هستند. شهر خوابگاهی، از چگالی لازم برای شکل‌گیری حیات مدنی مستقل برخوردار نیست.

کارگاه و شهر کارگاهی

شهر کارگاهی - مثل عسلویه در منطقه پارس جنوبی - به شدت تحت تأثیر ویژگی‌های محل کار بودن است. تعداد زیادی نیروی انسانی شاغل در آن حضور دارند، معمولاً با توجه به استانداردهای پایین رعایت ملاحظات محیط‌زیستی، دارای میزان بالایی از آلودگی و کیفیت پایین محیط‌زیست است، و منطق شکل‌گیری حیات اجتماعی در آن (اگر حیات اجتماعی کم‌آسیب و پویایی شکل بگیرد) به شدت تحت تأثیر کسب‌وکارها و فعالیت اقتصادی (اغلب صنعتی) مستقر شده در آن است.

شهر کارگاهی برای کسانی که قرار نیست در آن به کسب‌وکار غالب در شهر بپردازند، جاذبه‌ای ندارد و به دلیل سیطره یافتن منطق اقتصادی-صنعتی بر همه صورت‌های دیگر حیات اجتماعی، شهر/منطقه

به صرفاً جایی برای کار کردن و نه زندگی کردن شاداب تبدیل می‌شود. مناطقی نظیر عسلویه، شهر مملو از مجتمع‌های پتروشیمی بندر امام، و سکونتگاه‌هایی که بر حول یک یا چند مجتمع صنعتی بزرگ شکل می‌گیرند و به شدت از پی‌آمدهای مخرب محیط‌زیستی و اجتماعی این مجتمع‌ها تأثیر می‌پذیرند در شمار شهر کارگاهی یا «زیست کارگاهی» تلقی می‌شوند.

زیستگاه

زیستگاه جایی است که در آن ترکیب متوازی از کارگاه، خوابگاه و حیات اجتماعی متمایز از کار و محل خواب با هم ترکیب شده‌اند. زیستگاه به افراد ساکن در آن اجازه می‌دهد فعالیت فرهنگی داشته باشند، فعالیت‌های فراغت انجام دهند، ارتباطات اجتماعی مناسبی برقرار کنند، و به دلایلی غیر از کار یا استراحت (زندگی در درون خانه) در سکونتگاه حضور داشته باشند. افراد در زیستگاه می‌توانند

۱. محیط‌زیست مناسبی را تجربه کنند (برخلاف بسیاری از شهرهای کارگاهی که از آلودگی محیط‌زیستی شدید رنج می‌برند)،
۲. در ساعاتی که به کار یا استراحت مشغول نیستند، می‌توانند حیات اجتماعی پویا و جذابی را تجربه کنند.
۳. مشارکت در زندگی سیاسی را تجربه کنند.
۴. تولید و مصرف فرهنگی را در صورتی که علاقه داشته باشند، پی بگیرند.
۵. هویت اجتماعی و فرهنگی قابل‌اعتنایی را در تعامل خود با زیستگاه تعریف کنند و از آن احساس افتخار داشته باشند.

نمونه‌های خوابگاه، کارگاه و زیستگاه

سکونتگاهی مثل پرنده در اطراف تهران، شهرک‌های حتی دارای زیرساخت‌های مناسب در نزدیکی مجتمع‌های نفت و گاز، یا برخی سکونتگاه‌هایی که چند دهه قبل در اطراف شهر اصفهان ساخته شدند، یا مهاجران در نزدیکی شازند اراک هویت خوابگاهی داشته و گاه هنوز با این هویت ادامه داده‌اند. این سکونتگاه‌ها در وابستگی کامل - حتی از نظر هویتی - به یک کارگاه یا شهر بزرگ نظیر تهران یا اصفهان تعریف شده‌اند.

مناطق نظیر عسلویه با هویت کارگاهی ساخته شده‌اند. سطح بالایی از آلودگی، به هم ریختگی نظم سنتی جامعه کوچک مقیاس پیشین و شکل نگرفتن نظم جدید مناسب با حجم فعالیت اقتصادی متمرکز شده در این مناطق، و به تبع آن بالا رفتن آسیب‌های اجتماعی و فشار نامتوازن وارد شده بر زیرساخت‌های سکونتگاه، پی‌آمد این نوع سکونتگاه‌های کارگاهی است. این نوع سکونتگاه‌ها بیش از آن‌که در خدمت ساکنان خود باشند، در جایگاه نقشی که برای اقتصاد ملی ایفا می‌کنند اهمیت دارند. شکل نگرفتن حیات اجتماعی مستقل از کارگاه در این سکونتگاه‌ها، اهمیت اجتماعی-سیاسی مستقل آن‌ها را هم کاهش داده و فشار اجتماعی برای رفع مشکلات آن‌ها نیز شکل نمی‌گیرد.

زیستگاه‌ها اغلب سابقه تاریخی گسترده دارند. اگر تهران، قم، اصفهان، مشهد، کاشان، شیراز، تبریز و... زیستگاه هستند، از آن جهت است که ترکیب متناسبی از کارگاه و خوابگاه به‌طور تاریخی در این مناطق بسط یافته است. زیستگاه، هویت تاریخی دارد، قابل افتخار است و می‌تواند به فرد شبکه‌ای از ارتباطات اجتماعی، معنا، اوقات فراغت، زیرساخت‌های تضمین رفاه و محیط‌زیست مناسب ارائه کند. نکته مهم در تحولات تاریخی ایران معاصر این است که زیستگاه‌ها به شدت از جانب کارگاه‌ها و خوابگاه‌ها تهدید شده‌اند. زیستگاه‌های تاریخی نظیر اصفهان، یزد، تبریز، مشهد، شیراز، تهران و... به شدت از سوی حیات کارگاهی آن‌ها تهدید شده‌اند.

۱. مجتمع‌های صنعتی مصرف‌کننده منابع طبیعی نظیر آب تداوم پایداری زیستگاه را به خطر انداخته‌اند.

۲. آلودگی‌های ناشی از این مجتمع‌های صنعتی (نظیر آلودگی هوا و پساب‌ها) ظرفیت زیست‌پذیری زیستگاه‌ها را کاهش داده است.

۳. نیروی انسانی متمرکز شده در زیستگاه‌ها و فراتر از ظرفیت اکولوژیک آن‌ها، زیست‌پذیری زیستگاه‌های تاریخی را با مشکل مواجه ساخته است.

۴. افزایش شدید جمعیت در کنار متغیرهای اقتصاد کلان، نظیر تورم فزاینده در مدت چند دهه، مطلوبیت و کیفیت سکونتگاهی و خوابگاهی را برای ساکنان زیستگاه‌ها کاهش داده است.

برنامه‌ریزی نادرست و فرایندهای برنامه‌ریزی نشده و ناخواسته سبب شکل دادن به پی‌آمدهایی شده است که عوارضی نظیر زایش شهرهای خوابگاهی جدید در کنار زیستگاه‌ها را سبب شده است.

نمونه زیستگاه موفق جدید

پیدایش جزیره کیش شاید تنها مورد خلق زیستگاه نسبتاً موفق در چند دهه اخیر باشد. ساختار ترکیب خوابگاه، کارگاه و حیات اجتماعی و کیفیت محیط‌زیستی سبب شده است زیستگاهی در این جزیره خلق شود. این نمونه در هیچ یک از سایر جزایر ایرانی در خلیج فارس تکرار نشده است.

هدف راهبردی بزرگ: تصمیم درباره جهت پیشرفت

کشور تجارب منجر به ایجاد شدن سکونتگاه‌های خوابگاهی، کارگاهی و زیستگاهی را دارد. مرور تجارب نشان می‌دهد که چگونه سکونتگاه‌های خوابگاهی ایجاد شده و به مقیاس‌های بزرگ نیز رسیده‌اند؛ و چگونه سکونتگاه‌های کارگاهی بسیار بزرگ (نظیر عسلویه) خلق شده‌اند و هرگز حیات اجتماعی سرزنده و بدون آسیبی در آن‌ها توسعه نیافته است. تجربه تاریخی شکل‌گیری زیستگاه‌های ایرانی و البته تخریب و آسیب دیدن آن‌ها از محل فرایندهای کارگاهی و خوابگاهی هم پیش روست. تجربه شکل‌گیری جزیره کیش به عنوان زیستگاه هم در کشور وجود دارد. سیاست‌گذار باید تصمیم بگیرد در عمل و نه در حرف، با اقدامات و راهبردهای روشن و نه فقط با نوشتن سندهای رسمی اما بدون پشتوانه اجرایی و ملزومات تحقق، می‌خواهد زیستگاه را در منطقه مکران توسعه دهد. تنها پس از عزم جدی برای توسعه دادن زیستگاه در منطقه مکران است که می‌توان به ملزومات چنین هدفی پرداخت.

در ضمن، اگرچه مکران منطقه‌ای نسبتاً دست‌نخورده و بکر است، اما در یک دهه گذشته مجموعه فعالیت‌هایی در آن انجام شده است، و بر اساس مقایسه اقدامات صورت‌گرفته در منطقه و مقایسه آن با فعالیت‌هایی که منجر به شکل‌گیری خوابگاه‌ها، کارگاه‌ها و زیستگاه‌ها (یا صدمه به زیستگاه‌ها) شده‌اند، می‌توان ادامه روند طی شده را ارزیابی کرد.

رو به آینده

اگر نظام حکمرانی و سیاست‌گذاری کشور به صورت جدی و با عزم راسخ، تصمیم بگیرد که همه ملزومات ضروری برای آبادانی و پیشرفت در منطقه مکران را به نحوی فراهم کند که زیستگاه مناسب در آن شکل بگیرد، می‌توان به ایده‌هایی که در فصول آینده این متن ارائه شده است به عنوان برخی راهنماهای راهبردی در این مسیر توجه کرد.

آنچه در فصول آینده ارائه شده بر این اصل بنا می‌شود که رسیدن به زیستگاه مناسب، نیازمند ترکیب متناسبی از کارگاه (به عنوان تضمین‌کننده حیات اقتصادی و مادی)، خوابگاه (مسکن مناسب و باکیفیت) و زیرساخت‌هایی است که حیات اجتماعی-فرهنگی غیر از کار و زندگی در خانه را امکان‌پذیر و غنی می‌سازند.

۲- مکران: چه نوع کارگاهی؟

اگر نظام حکمرانی و سیاست‌گذاری واقعاً تصمیم داشته باشد در منطقه مکران، آبادانی از مسیر توسعه زیستگاه خلق کند، با این سؤال مهم مواجه می‌شود که در این منطقه باید چه نوع کارگاه‌هایی را ایجاد کند و زمینه‌ساز جذب نیروی انسانی در زیستگاه بر اساس چه نوع کسب‌وکارها و کارگاه‌هایی باشد. تجربه تاریخی نشان می‌دهد کشور به لحاظ ساختار سیاسی، بوروکراتیک و وابستگی به مسیرهای طی شده در گذشته، مستعد در پیش گرفتن راهی است که به توسعه صنایع استخراجی در منطقه مکران منتهی شود. بنابراین ابتدا باید خطر گرایش به سمت توسعه این نوع صنایع در منطقه مکران را تشریح کرد.

خطر تمرکز بر صنایع استخراجی

چنان‌که در ادامه استدلال شده است، این خطر کاملاً ملموس است - و روند جاری برنامه‌ریزی توسعه صنایع در منطقه مکران نیز همین روند را نشان می‌دهد - که مجموعه‌ای از صنایع استخراجی در منطقه مکران توسعه داده شوند و تجربه کارگاه‌هایی نظیر عسلویه تکرار شود و هرگز زمینه مساعدی برای شکل‌گیری زیستگاه در آن منطقه ایجاد نشود. یکی از مسیرهای توجه کردن به خطر تمرکز بر صنایع استخراجی، نزدیک شدن از زاویه اشتغال‌زایی و تأثیر آن بر شکل‌گیری زیستگاه‌هاست.

مسأله اشتغال در ایران

حسین عظیمی در اواخر دهه ۱۳۶۰ نگرانی عمیقی از وضعیت اشتغال و آینده آن داشت و در کتاب مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران (۱۳۷۱) نوشت «حجم بیکاری آشکار و پنهان جامعه در سال ۱۳۶۷ حدوداً معادل ۴۳ درصد از کل نیروی کار (یعنی ۵/۸ میلیون نفر)» (ص. ۹۱) رسیده و بار تکفل در آن سال ۶/۷ نفر به ازای هر شاغل بوده و «بدیهی است که تلفیق بازدهی پایین و بار تکفل بسیار سنگین، بویژه در صورت همراه شدن با الگوی نامتعادل توزیع درآمد، به معنای ایجاد ... فقر و محرومیت ...» (همان) است. عظیمی پیش‌بینی می‌کرد که حجم نیروی کار کشور در سال ۱۳۹۰ به حدود ۳۲ میلیون نفر برسد و بنابراین معتقد بود در دو دهه بعد از سال ۱۳۷۰ باید سالیانه ۸۴۸ هزار شغل جدید ایجاد شود تا در سال ۱۳۹۰ بیکاری در همان مقدار ثابت باقی بماند و برای رسیدن به حل مشکل بیکاری و تحقق اصل ۴۳ قانون اساسی ایجاد ۹۰۰ هزار شغل در سال ضروری بود.

(ص. ۱۶۴) دغدغه‌ای که عظیمی داشت امروز نیز به همان قوت و بلکه شدیدتر پابرجاست و می‌توان روندهایی را نشان داد که می‌توانند به تشدید این وضعیت نیز منجر شوند و عواقب بسیار وخیم‌تری نیز خلق کنند. چرا این وضعیت هشدارآمیز پدید آمده است؟

جدول شماره ۱ واقعیات مهم دیگری درباره اقتصاد ایران را نشان می‌دهد. داده‌های این جدول نشان می‌دهند که جمعیت شاغلین در فاصله سی و دو سال ۲/۱۵ برابر شده‌اند (۲۱۵ درصد رشد) اما مقایسه میزان رشد در بخش‌های مختلف بخش‌های دیگری از واقعیت را نشان می‌دهند.

جدول ۱. تعداد جمعیت شاغل بر حسب فعالیت‌های اقتصادی طی دوره ۱۳۹۷-۱۳۶۵

کل اقتصاد	کشاورزی	نفت و گاز	کل معادن بدون استخراج نفت و گاز	کل صنعت ساخت بدون پالایشگاه‌ها	آب و برق و گاز	ساختمان	خدمات بازرگانی، رستوران و هتل داری	حمل و نقل و انبارداری	ارتباطات	خدمات مالی	خدمات مستغلات، اجاره و کسب و کار، عمومی و اجتماعی و سایر	
۱۱۰۵۶	۳۱۹۱	۶۷	۲۷	۱۴۴۴	۹۱	۱۲۰۶	۸۷۵	۵۸۴	۴۶	۸۳	۳۴۴۱	1365
۱۴۵۷۲	۳۳۵۷	۱۰۵	۴۰	۲۵۲۷	۱۵۱	۱۶۵۰	۱۹۲۷	۸۹۱	۸۲	۱۵۳	۳۶۸۹	1375
۲۰۸۴۱	۴۸۲۷	۱۰۷	۶۲	۳۸۷۸	۱۹۱	۲۳۶۷	۳۲۱۸	۱۷۵۱	۱۶۰	۲۷۸	۴۰۰۳	1385
۲۰۵۱۰	۳۸۱۰	۱۰۶	۵۶	۳۳۳۸	۲۰۱	۳۱۴۶	۳۳۵۳	۱۹۵۵	۱۲۴	۲۶۵	۴۱۵۷	1390
۲۱۳۴۶	۳۹۱۳	۱۳۵	۶۵	۳۵۷۲	۲۴۱	۳۳۰۱	۳۲۴۵	۲۰۰۰	۱۹۸	۳۱۴	۴۳۶۳	1392
۲۲۵۸۸	۴۰۶۱	۱۴۱	۷۳	۳۷۵۹	۲۵۹	۲۹۶۹	۳۸۲۹	۲۱۷۹	۲۳۵	۳۱۹	۴۷۶۶	1395
۲۳۸۱۳	۴۲۱۳	۱۳۹	۱۰۹	۴۰۷۵	۳۰۴	۳۰۰۰	۴۱۰۵	۲۲۴۱	۲۱۴	۳۲۷	۵۰۸۵	1397

ماخذ: مرکز آمار ایران، نتایج طرح نیروی کار - سرشماری نفوس و مسکن

جدول ۲. تغییرات اشتغال در بخش‌های مختلف (۱۳۹۷-۱۳۶۵)

رشد (%)	کل اقتصاد	خدمات بازرگانی، رستوران و هتل داری	کل ساخت بدون پالایشگاه‌ها	ساختمان	حمل و نقل و انبارداری	خدمات مستغلات، اجاره و کسب و کار، عمومی و اجتماعی و سایر	کشاورزی	خدمات مالی	آب و برق و گاز	ارتباطات	کل معادن بدون استخراج نفت و گاز	نفت و گاز
۲۱۵	۱۹۸	۲۶۰	۲۴۶	۳۷۳	۱۲۹	۱۳۲	۲۰۸	۲۸۴	۵۱۰	۴۰۳	۲۰۷	
۱۲۷۵۷	۳۲۳۰	۲۶۳۱	۱۷۹۴	۱۶۵۷	۱۶۴۴	۱۰۲۲	۲۴۴	۲۱۳	۱۶۸	۸۲	۷۲	

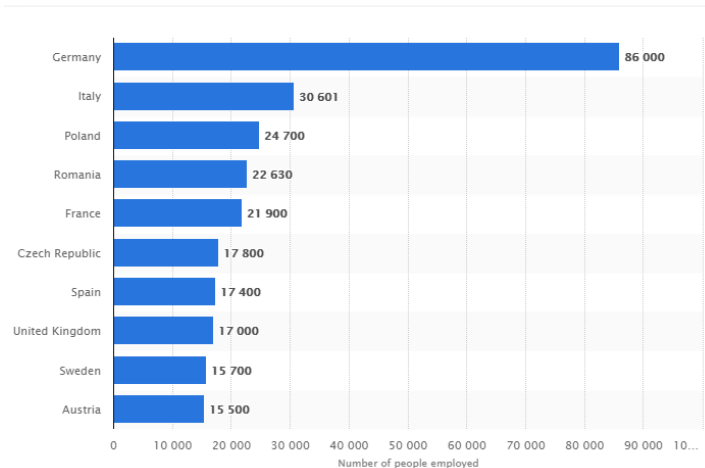
فراوانی
رشد (هزار
نفر)

جدول شماره ۲ که تغییرات در جدول شماره ۱ ظرف مدت سی و دو سال را ارزیابی کرده، نشان می‌دهد که ۹۴ درصد اشتغال ایجاد شده در این ۳۲ سال در بخش‌های غیر از نفت و گاز، معدن، ارتباطات، آب و برق و گاز، و خدمات مالی بوده است در حالی که بخش‌های کم‌اشتغالزا (نفت و گاز، معدن، ارتباطات، آب و برق و گاز، و خدمات مالی) نرخ رشدهای بین ۲۰۷ تا ۵۱۰ درصد داشته‌اند.

جدول ۱ به وضوح نشان می‌دهد که بار تأمین اشتغال کشور را نمی‌توان بر عهده بخش‌های کم‌اشتغالزای اقتصاد نهاد. این بخش‌ها ظرف ۳۲ سال توانسته‌اند ۷۷۹ هزار اشتغال مستقیم ایجاد کنند که به معنای ۲۴ هزار شغل در هر سال است و میانگین اشتغالزایی بخش‌های پر اشتغال نیز ۳۴۳ هزار نفر در سال است.

آمارهای بین‌المللی نیز نشان می‌دهند که بخش‌هایی نظیر نفت و گاز یا صنایع معدنی نه فقط در ایران بلکه در سراسر جهان صناعی سرمایه‌بر و در همان حال کم‌اشتغالزا به حساب می‌آیند. نمودار شماره ۱ میزان اشتغال در بزرگ‌ترین دارندگان صنایع فولاد در اروپا را نشان می‌دهد.

نمودار ۱. میزان اشتغال در صنایع فولاد اروپا در سال ۲۰۱۹^۱



یک بررسی مفصل و پیمایش از کارفرمایان در آمریکا نشان می‌دهد کل بخش سنتی انرژی (بدون انرژی‌های تجدیدپذیر) و صنایع افزایش کارآمدی در بخش انرژی، جمعاً اشتغال برای ۶/۷ میلیون آمریکایی از میان ۱۴۷ میلیون شاغل این کشور فراهم کرده‌اند که معادل ۴/۶ درصد از نیروی کار است.

سازمان جهانی کار (ILO) برآورد می‌کند که صنعت نفت در سراسر جهان ۶ میلیون شغل به وجود

1- <https://www.statista.com/statistics/640341/steel-industry-employment-european-countries/>

آورده و به اندازه ده برابر آن نیز مشاغل غیرمستقیم ایجاد کرده است.^۱ گزارش رسمی دولت کانادا نیز نشان می‌دهد کل بخش صنایع معدنی در این کشور ۶۳۴ هزار شغل مستقیم و غیرمستقیم در سال ۲۰۱۷ را در بر می‌گیرند که شاغلان هر سه بخش استخراج بالادستی، پردازش اولیه و صنایع پایین‌دستی تولید فلزات و مواد معدنی حدود ۴۲۶ هزار نفرند و به اندازه ۵۰ درصد آن‌ها نیز در صنایع پردازش پایین‌دستی شاغل هستند. صنایع معدنی هم‌چنین در این سال در بخش‌های تولید تجهیزات، فناوری و عرضه خدمات به عنوان بخشی از اکوسیستم بخش معدن توانسته‌اند ۲۰۸ هزار شغل ایجاد کنند.^۲

اقتصاد سیاسی صنایع استخراجی

ما می‌توانیم مجموع صنایع نفت‌وگاز، پتروشیمی و معادن کانی فلزی و غیرفلزی را صنایع استخراجی تلقی کنیم. صنایعی نظیر برق حاصل از سوخت فسیلی و آب را هم به نوعی استخراجی فرض کرد. صنایع برق و آب نیز متکی به سرمایه‌گذاری‌های کلان و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم تحت تأثیر استخراج ماده‌ای طبیعی (سوخت‌های فسیلی برای تولید برق و آب) هستند. جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که این صنایع هم کم‌اشتغال‌زا هستند.

ارزیابی آمارها نشان می‌دهد که مشاغل غیرمستقیم حاصل از این صنایع نیز نمی‌تواند منبع قابل توجهی برای تأمین اشتغال باشد کما این‌که آمار سازمان جهانی کار کل مشاغل غیرمستقیم ناشی از صنعت نفت در جهان را ۶۰ میلیون نفر برآورد کرده است.

نکته مهم این نیست که سیاستمداران بدانند این‌گونه صنایع اشتغال‌زا نیستند و نمی‌توان تأمین اشتغال کشور برای امروز و آینده را بر این صنایع بار کرد، بلکه مهم این است نسبت به سازوکارهایی آگاه باشیم که مانع تغییر در ساختار کلان اولویت‌های سرمایه‌گذاری ملی و ایجاد اشتغال انبوه می‌شوند. این‌جاست که پای اقتصاد سیاسی این‌گونه صنایع به شدت سرمایه‌بر، کم‌اشتغال‌زا و شدیداً درآمدزا به میان می‌آید. اما اصرار بر توسعه این نوع صنایع کم‌اشتغال‌زا و اغلب به شدت آلوده‌کننده، تحت تأثیر عوامل مهمی در اقتصاد سیاسی است.

یک. دولت‌های وابسته به درآمدهای انبوه نفتی یا مشتقات نفتی نظیر گاز و پتروشیمی که در طول

1-<https://www.ilo.org/inform/online-information-resources/research-guides/economic-and-social-sectors/energy-mining/oil-gas-production/lang--en/index.htm>

2-<https://www.nrcan.gc.ca/science-data/science-research/earth-sciences/earth-sciences-resources/earth-sciences-federal-programs/minerals-sector-employment/16739>

تاریخ معاصر به کمک این گونه درآمدها قیمت‌های ارز را سرکوب کرده، رانت توزیع نموده‌اند، محبوبیت خریده و ثبات سیاسی و اجتماعی فراهم ساخته‌اند، و به همان میزان از ساختن دولت باظرفیت بازمانده‌اند و به نوعی در معمای فراوانی نفت و هم‌زمان مصائب حکمرانی نفتی مانده‌اند (نک: کارل، ۱۳۸۸) و از سوی مردم و اپوزیسیون سیاسی به شدت تحت فشار برای کاهش (همان سرکوب) قیمت ارز، رونق دادن به کسب‌وکارهای بورژوازی تجاری و حامی‌پروری سیاسی هستند، از نظر ذهن سیاست‌گذار و سیاست‌مدار، و ترجیحات نظام بوروکراتیک مایل‌اند از منافع بزرگ سرمایه‌گذاری‌ها و صاحبان صنایع استخراجی حمایت کنند. سیاستمداران به همین دلیل با افتخار و اولویت از طرح‌های بزرگ توسعه فولاد یا گسترش پتروشیمی سخن می‌گویند. این گونه طرح‌ها نقطه تعادلی برای بازی بین سیاسیون، صاحبان صنایع استخراجی (اعم از دولتی، خصوصی و خصوصی) و مطالبات کوتاه‌مدت اکثریت مردم هستند که به زیان توسعه درازمدت، محیط‌زیست، متنوع‌سازی اقتصاد و صنایع غیراستخراجی نیز تمام می‌شوند.

دو. صنایع استخراجی مولد رانت‌های بزرگی هستند که در کشوری نظیر ایران به واسطه قیمت‌های یارانه‌ای انرژی، قیمت غیرواقعی خوراک گاز پتروشیمی یا هزینه‌کرد از منابع عمومی در طرح‌های غیرمولد توسعه منابع آب حاصل می‌شوند. بزرگی این رانت‌ها برای صاحبان این دسته از صنایع و منافع سیاسی و دسترسی به ارز ناشی از آن‌ها برای پیشبرد برنامه‌های اقتصادی-سیاسی دولت‌های رانت‌جو، مانعی بزرگ پیش روی اصلاح قیمت‌های انرژی و یارانه‌هاست. فقدان اصلاح قیمت‌ها و به تبع آن نقصان در نظام قیمت‌های نسبی نیز مانعی بزرگ پیش روی اصلاحات در کشاورزی و صنایع غیراستخراجی است که بیشترین بار اشتغال کشور را به دوش می‌کشند و آینده باثبات اجتماعی و اقتصادی نیز تنها به اتکای توسعه اشتغال در آن دسته صنایع به دست می‌آیند. عدم اصلاح قیمت‌های نسبی سرمایه‌گذاری خصوصی و هدایت منابع بانک‌ها یا جهت‌گیری سرمایه‌گذاری در بازار بورس به سمت صنایع غیراستخراجی مولد اشتغال را مخدوش می‌سازد.

سه. صنایع استخراجی می‌توانند حالت کاملاً جزیره‌ای داشته باشند و به عوض ارتباط فنی-اقتصادی و ادغام در زنجیره‌ای از صنایع بالادستی و پایین‌دستی، و پیوند ارگانیک با بقیه اقتصاد کشور، از مسیر بودجه به اقتصاد متصل شوند. این امر بالاخص در صنایعی که به نسبت فناوری بالایی دارند و توسعه تجهیزات و تأسیسات‌شان با اتکا به واردات فناوری صورت می‌گیرد و مصرف‌کننده کالای تولیدی آن‌ها بازارهای خارجی است، تشدید می‌شود. اگر توسعه صنایع پایین‌دستی این گونه صنایع نیز به دلیل

تقسیم کار بین‌المللی یا هر عامل دیگری محدود یا غیرقابل گسترش در داخل باشد، وضعیت بدتر نیز می‌شود. درآمد حاصل از این گونه صنایع نصیب دولت‌ها و بخش خصوصی می‌شود اما مولد هیچ نوع تحول ساختاری خاصی در اقتصاد نیستند، اما علی‌رغم این نوع عملکرد ضدتوسعه‌ای ولی به علت منافعی که تولید می‌کنند ظرفیت تداوم‌شان وجود دارد.

سه استدلال فوق‌نشان می‌دهند که سیاستمداران علی‌رغم آگاهی از اشتغال‌زا نبودن صنایع استخراجی به احتمال زیاد در مقابل وسوسه توسعه این صنایع تسلیم می‌شوند و همین امر اثراتی از مسیرهای مختلف از جمله تولید رانت، یارانه‌ها، اختلال در قیمت‌های نسبی و کاهش جذابیت سرمایه‌گذاری در صنایع غیراستخراجی، مانع اصلاح سازوکارهای اصلی اقتصاد و همچنین متنوع‌سازی و توسعه اشتغال می‌شوند.

نکته آخر این‌که صنایع استخراجی به دلیل ارزآوری و درآمدزایی زیاد و در همان حال اشتغال‌زایی کم، ابزارهای اقتصادی مناسبی برای ارتقای عدالت و کاهش نابرابری نیستند. جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که مجموع اشتغال‌ها در صنعت نفت و گاز در سال ۱۳۹۷ کمتر از ۱۴۰ هزار نفر بوده است و به عبارتی میلیاردها دلار درآمد ارزی توسط جمعیت اندکی تولید شده است. همین امر در خصوص صنایع استخراجی غیرنفتی نیز صادق است. این امر خود را در دستمزدهای نامتوازن بین بخش عمومی و شرکت‌های دولتی، خصولتی یا خصوصی فعال یا وابسته به صنایع استخراجی نشان می‌دهد. درآمدهای زیاد این گونه صنایع در دولت‌های کم‌ظرفیت و مستعد فساد، آتش نابرابری اجتماعی را تیزتر می‌کند.

چه آینده‌ای؟

آینده باثبات اقتصاد، جامعه و سیاست ایران نمی‌تواند بر مبنای صرفاً توسعه صنایع استخراجی بنا شود، اما از سوی دیگر توسعه این صنایع به شدت برای ذینفعان بزرگ آن‌ها جذابیت اقتصادی و سیاسی دارد. همین جذابیت‌ها و رانت‌های مختلف ناشی از توسعه این صنایع به عنوان مانعی در برابر اصلاحات منجر به امکان‌پذیر شدن توسعه سرمایه‌گذاری در صنایع غیراستخراجی عمل می‌کنند. خروجی نهایی این وضعیت - علاوه بر سایر متغیرهای ضداشتغال - نیروی محرکه سازوکارهای ضداشتغال‌زایی می‌کنند.

این نیروها نظام ترجیحات سیاست‌گذاران و گروه‌های دارای دسترسی به منافع صنایع استخراجی را به گونه‌ای شکل می‌دهند که بقیه صنایع از اولویت‌های توسعه خارج می‌شوند. مولود نهایی این وضعیت، افزایش بیکاری، فقر، نابرابری و ظرفیت عظیم بی‌ثباتی اجتماعی و سیاسی است. جامعه

و اقتصاد ایران بدون شکل دادن سازوکارهای سیاسی و اقتصادی ناظر بر حل کردن معماهای ارتباط بین ذینفعان سیاسی و اقتصادی با صنایع استخراجی، قادر نخواهد شد حرکتی متوازن و پیوسته به سوی توسعه پایدار و تاب‌آور داشته باشد. بدون دستیابی به چنین سازوکارهایی و غلبه بر مشکلات تشریح‌شده، چرخه قهقرایی اقتصاد، جامعه و سیاست ایرانی به سمت و سوی مبهم و خطرناکی پیش خواهد رفت.

کسب‌وکارهای مناسب برای مکران

سیاست‌گذار می‌خواهد چه آینده‌ای را برای مکران رقم بزند؟ اگر قصد سیاست‌گذار آن است که مکران را به زیستگاهی سرزنده تبدیل کند، و پذیرای میلیون‌ها نفر جمعیت باشد، این چنین آینده‌ای نمی‌تواند با تکیه صرف بر صنایع استخراجی ساخته شود. متأسفانه روندهایی که تاکنون در منطقه مکران شکل گرفته و عمده جایابی‌هایی که برای استقرار صنایع انجام شده، با تمرکز بر توسعه صنایع استخراجی نظیر پتروشیمی، فولاد و سایر صنایع وابسته به معادن و فراوری ماده معدنی بوده است.

این‌گونه صنایع، در برخورد با دو نوع محیط اجتماعی متفاوت از نظر اندازه و کیفیت، عواقب متفاوتی را رقم می‌زنند. صنایع نظیر نفت، گاز، پالایش و پتروشیمی وقتی وارد منطقه عسلویه می‌شود، از نظر اندازه، ارزش اقتصادی، قدرت سیاسی بوروکرات‌هایی که راهبر این صنایع هستند، و عدم توازن که با محیط کوچک و توسعه‌نیافته محلی دارند، قادرند اجتماع محلی را در خود ببلعند. این همان اتفاقی است که در جزیره خارک، عمده مناطق نفت‌خیز خوزستان، عسلویه و هم‌چنین در زیستگاه‌های کوچک حاشیه شرکت‌های صنایع استخراجی رخ داده است.

همین صنایع استخراجی وقتی در کنار زیستگاه‌های بزرگ قرار می‌گیرند، قادر نیستند حیات اجتماعی و اقتصادی زیستگاه را به شدت تحت تأثیر قرار دهند. برای مثال، تهران نیز پالایشگاه دارد، اما پالایشگاه تهران در خدمت زیستگاه تهران است نه آن‌که اولویت‌های خود را بر زیستگاه تحمیل کرده باشد. هر قدر زیستگاه از نظر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بزرگ‌تر و با اهمیت بیشتر باشد، احتمال آن‌که تحت تأثیر آثار مخرب صنعت استخراجی قرار بگیرد، کمتر است.

توسعه صنایع استخراجی در منطقه مکران نیز از همین سازوکار تبعیت خواهد کرد و عواقب زیر را

به دنبال دارد:

۱. صنایع استخراجی در منطقه بکر و با حیات اقتصادی و اجتماعی ضعیف مکران، همه خواسته‌ها و منطق خود را بر محیط تحمیل می‌کنند.
۲. میزان اشتغال در صنایع استخراجی اندک است و هرگز نمی‌توانند جاذب آن میزان اشتغال باشند که حیات اجتماعی و اقتصادی پویا و سرزنده‌ای را در منطقه شکل دهد.
۳. صنایع استخراجی آلوده‌کننده هستند و تحت شرایط ضعف بوروکراسی محیط‌زیستی و شرایط تحریم، این صنایع به آلوده‌کننده منطقه و نهایتاً کاهش ظرفیت زیست‌پذیری منتهی می‌شوند.
۴. صنایع استخراجی از اساس از دانش سطح بالایی بهره نمی‌برند و نمی‌توانند جذب‌کننده تعداد زیادی از نیروهای متخصص و علاقمند در فعالیت‌های دانش‌بنیان باشند.
۵. صنایع استخراجی اگر در منطقه مکران متمرکز شوند، بازتولیدکننده نآبادانی و سطح قابل توجه فقر در منطقه خواهند بود. صنایع استخراجی ابزارهای مناسبی برای تولید و توزیع ثروت در مقیاس وسیع بین تعداد زیادی از شاغلان نیستند.

هدف راهبردی بزرگ: تصمیم درباره نوع صنایع و کسب‌وکارهای مکران

نظام حکمرانی و سیاست‌گذاری آبادانی و پیشرفت منطقه مکران باید تصمیم راهبردی بگیرد درباره نوع و ترکیب صنایع و کسب‌وکارهایی که در این منطقه متمرکز می‌شود. بدیهی است تصمیم‌گیری درباره استقرار کسب‌وکارها در این منطقه تحت تأثیر بسیاری از عوامل دیگر نیز هست، اما بنا بر استدلال‌هایی که ارائه شد، استقرار صنایع استخراجی، بدترین گزینه برای شکل دادن به حیات اجتماعی و اقتصادی سرزنده و تمدن‌ساز در این منطقه است. فصول آینده این متن دلایل روشن‌تری برای ضرورت کنار گذاشتن تمرکز بر افزایش استقرار صنایع استخراجی در منطقه مکران ارائه می‌کند.

۳- تعادل آبادانی در شمال و جنوب خلیج فارس و دریای عمان

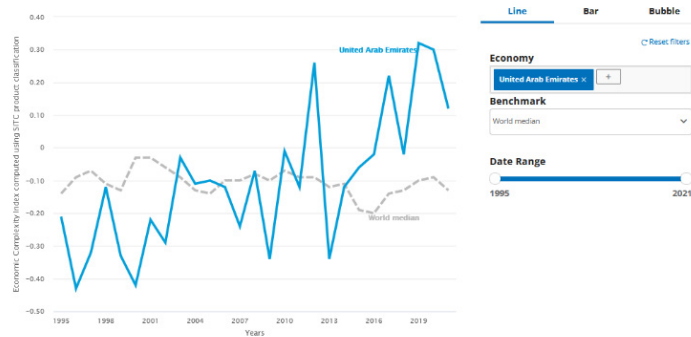
کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس در چند دهه گذشته پیشرفت‌های اقتصادی، زیرساختی و خلق زیستگاه در محیط‌های حتی نامساعد طبیعی را تجربه و محقق کرده‌اند. امارات عربی متحده نمونه کاملاً مشهود این نوع پیشرفت در نزد ایرانیان است. این کشور با ۸۳/۶ هزار کیلومتر مربع وسعت که یک بیستم ایران است و با جمعیتی حدود ۹ میلیون نفر، اکنون به تولید ناخالص داخلی ۵۴۵ میلیارد دلاری (برآورد صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۲۴) رسیده که حدود ۳۰ درصد بیشتر از تولید ناخالص داخلی ایران است. قطر، عمان و عربستان سعودی هم در همین مسیر گام برمی‌دارند. نکته مهم این است که امارات عربی متحده و عربستان سعودی روند پیچیده‌تر و متنوع‌تر کردن اقتصاد خود را نیز شروع کرده‌اند.

شاخص پیچیدگی اقتصادی، میزان توانایی کشورها برای صادر کردن طیف گسترده‌تر و دارای پیچیدگی بیشتری از کالاها را نشان می‌دهد. این شاخص نشان‌دهنده میزان دانش و توانایی‌های دانشی-فناورانه انباشت‌شده در کشورها نیز هست. نمودارهای ۲، ۳ و ۴ روند تغییرات شاخص پیچیدگی اقتصادی در سه کشور امارات عربی متحده، ایران و عربستان سعودی را نشان می‌دهد. شاخص پیچیدگی اقتصادی ایران همواره زیر میانه جهانی این شاخص بوده است. امارات و عربستان، تا قبل از سال ۲۰۱۳ نیز در سال‌های معدودی شاخصی بالاتر از میانه جهانی داشته‌اند، اما نکته مهم این است که از سال ۲۰۱۳ به این سو، هر دو کشور روندی افزایشی در شاخص پیچیدگی اقتصادی و بالاتر رفتن از میانه جهانی را آغاز کرده‌اند. کشوری نظیر عمان نیز در مسیر همین گونه اقدامات است و به دلایل مختلف از جمله گستره سرزمینی بزرگ‌تر، دسترسی بهتر به اقیانوس و تنوع جغرافیایی و اقلیمی از ظرفیت‌های زیادی نیز برخوردار است.

عدم توازن پیشرفت در شمال و جنوب خلیج فارس و دریای عمان، طیفی از مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی برای ایران ایجاد کرده و در آینده تشدید نیز خواهد شد. امارات عربی متحده به کانون جذب سرمایه‌ها و استعدادهای ایرانی تبدیل شده است. تلاش امارات و عربستان برای سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نو- از انرژی‌های تجدیدپذیر گرفته تا هوش مصنوعی- باعث جذابیت بیشتر برای سرمایه و استعدادهای ایرانی می‌شود.

نمودار ۲. تحولات شاخص پیچیدگی اقتصادی امارات عربی متحده

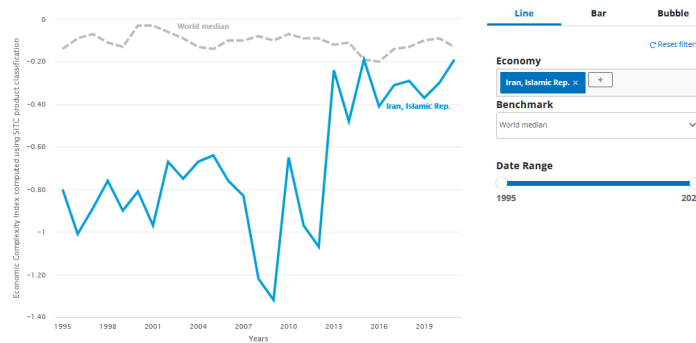
Economic Complexity Index computed using SITC product classification



Data Source: Atlas of Economic Complexity - Country Complexity Rankings | Download Dataset
For Regional and Income Group breakdowns, visit: World Bank Country and Lending Groups.

نمودار ۳. شاخص پیچیدگی اقتصادی ایران

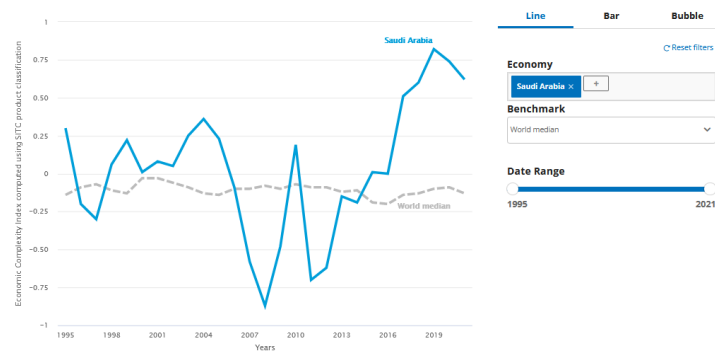
Economic Complexity Index computed using SITC product classification



Data Source: Atlas of Economic Complexity - Country Complexity Rankings | Download Dataset
For Regional and Income Group breakdowns, visit: World Bank Country and Lending Groups.

نمودار ۴. شاخص پیچیدگی اقتصادی عربستان

Economic Complexity Index computed using SITC product classification



Data Source: Atlas of Economic Complexity - Country Complexity Rankings | Download Dataset
For Regional and Income Group breakdowns, visit: World Bank Country and Lending Groups.

پیشرفت کشورهای حاشیه خلیج فارس و دریای عمان، افتخارات هویتی ایرانیان را نیز با مخاطره مواجه می‌کند. یافته‌های موج چهارم پیمایش ملی ارزشها و نگرشهای ایرانیان (۱۴۰۲)، یافته‌های هشداردهنده‌ای را نشان می‌دهد. جدول ۳ نشان می‌دهد «افتخار به ایرانی بودن» کماکان در جامعه ایرانی بسیار زیاد است. اما سه تحول روشن در این داده‌ها مشهود است.

۱. جوان‌ترها، کمتر از مسن‌ها به ایرانی بودن افتخار می‌کنند. دقت کنیم که گزینه «خیلی زیاد» در هر گروه سنی، نسبت به گروه مسن‌تر، حدود ۱۰ درصد کمتر است. گروه سنی ۲۹-۱۵ سال کمترین میزان افتخار به ایرانی بودن را نشان داده است.
۲. وضعیت افتخار به ایرانی بودن در بین تحصیل کرده‌ترها هم مثل جوان‌ترهاست. هر قدر افراد تحصیل کرده‌تر هستند، میزان افتخار کردن به ایرانی بودن کاهش می‌یابد.
۳. آنچه درباره گروه سنی و میزان تحصیلات مشاهده شده، در خصوص گروه‌های درآمدی نیز تکرار می‌شود. افراد با درآمد بالاتر، کمتر به ایرانی بودن افتخار می‌کنند.

جدول ۳. افتخار به ایرانی بودن (درصد)

خیلی زیاد	زیاد	تا حدی	کم	هیچ		
۱/۴۵	۶/۳۲	۵/۵	۹/۱۰	۹/۵	سال ۱۵-۲۹	گروه‌های سنی
۷/۵۳	۹/۲۹	۷/۲	۳/۸	۳/۵	سال ۳۰-۴۹	
۹/۶۶	۳/۲۴	۶/۱	۱/۴	۱/۳	بالای ۵۰ سال	
۹/۶۱	۲/۲۹	۴/۲	۵/۹	۷/۰	بیسواد	تحصیلات
۶/۶۳	۰/۲۹	۲/۱	۸/۳	۵/۲	ابتدایی	
۸/۵۳	۵/۲۹	۳	۸/۸	۵	متوسطه و دیپلم	
۴۸	۴/۳۰	۲/۵	۶/۹	۷/۶	دانشگاهی	
۸/۵۱	۷/۲۹	۱/۳	۹/۸	۶/۶	شاغل	اشتغال
۲/۴۹	۴/۳۰	۵/۳	۹	۹/۷	بیکار	
۹/۵۷	۴/۲۹	۶/۲	۹/۶	۲/۳	خانه دار	
۴/۴۵	۲/۳۲	۶/۶	۱/۱۱	۷/۴	محصل	
۴/۶۶	۲/۲۴	۷/۱	۴/۴	۲/۳	بازنشسته	
۲/۵۵	۷/۲۹	۳	۳/۸	۸/۳	بین ۳ تا کمتر از ۹ میلیون تومان	هزینه خانوار
۴/۵۱	۶/۳۰	۶/۳	۷/۸	۷/۵	بین ۹ تا کمتر از ۱۸ میلیون تومان	
۲/۵۳	۴/۲۶	۹/۳	۷/۸	۷/۷	بیشتر از ۱۸ میلیون تومان	

منبع: پیمایش ملی ارزشها و نگرشهای ایرانیان، ۱۴۰۲

۴. وضعیتی که در خصوص سن، تحصیلات و درآمد مشاهده شد، در حوزه اشتغال نیز مشاهده می‌شود. دقت کنیم که کمترین میزان «افتخار کردن به هویت ایرانی» متعلق به دو گروه محصل و بیکار است.

سؤال مهم و راهبردی که نمودارها و جداول فوق پیش روی حکمران و سیاست‌گذار پیشرفت و آبادانی مکران قرار می‌دهد این است: چگونه می‌توان از تبدیل منطقه مکران به زیستگاهی پایدار، وزنه متعادل‌کننده اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در مقابل توسعه در حاشیه جنوبی خلیج فارس و دریای عمان ساخت؟ پرداختن به این سؤال، به دنبال خود سؤالات زیر را نیز مطرح می‌کند.

۱. آن نوعی از پیشرفت اقتصادی، اجتماعی، زیرساختی و هم‌زمان پایدار از نظر محیط‌زیستی که مکران را به زیستگاهی شایسته تبدیل کند، و سبب امیدواری نسل جوان و تحصیل‌کرده ایرانی به آینده کشور شود چیست؟

۲. آن پیشرفتی که می‌تواند مکران را به نماد واقعی و ملموس «ظرفیت پیشرفت‌سازی» جمعی با همکاری «حکومت-بخش خصوصی-جامعه» تبدیل کند و برای نسل جوان تحصیل‌کرده امیدبخش باشد چیست؟

۳. آن پیشرفتی که می‌تواند فضای زندگی (کیفیت زیستگاهی)، دست‌آورد اقتصادی (حداقل از نظر دستمزدها) و حیات اجتماعی امروزی متناسب با خواسته‌های نسل جوان، تحصیل‌کرده و خواهان زندگی متناسب با کشورهای حاشیه خلیج فارس را فراهم کند چیست؟

۴. آن نوع پیشرفتی که می‌تواند «مهاجرت جوانان به بیرون ایران» را به «مهاجرت در درون ایران» و از سایر مناطق کشور به سمت مکران تبدیل کند، چه ویژگی‌هایی دارد؟

۵. مکران قرار نیست صرفاً جایی برای جوانان تحصیل‌کرده باشد، بلکه نیروی انسانی زیاد ایران - که بخش عمده‌ای از آن‌ها هم به دلیل ساختار و خروجی ناکارآمد آموزش و پرورش فاقد مهارت هستند - در فرایند مناسبی، ارتقای مهارت پیدا کرده و در اقتصاد منطقه مکران جذب شوند. چنین رویکردی، این سؤال را مطرح می‌کند که الزامات چنین تحولی چیست؟

پاسخ دادن به این سؤالات است که می‌تواند نوع پیشرفت مطلوب برای مکران را به عنوان وزنه تعادل‌بخش در برابر پیشرفت‌های کشورهای حاشیه خلیج فارس، تعیین تکلیف کند. پاسخ مناسب دادن به این سؤالات می‌تواند گزینه‌های سیاست‌گذاری و از جمله الگوهای استقرار صنایع و کسب‌وکارها

در مکران را تحت تأثیر قرار دهد.

سؤال راهبردی بزرگ: چگونگی موازنه‌سازی بین شمال و جنوب خلیج فارس و دریای عمان

نظام حکمرانی و سیاست‌گذاری آبادانی و پیشرفت منطقه مکران باید به این سؤال پاسخ دهد که در مقابل پیشرفت روزافزون کشورهای حاشیه خلیج فارس و دریای عمان، و در مقابل مهاجرت نخبگان و جوانان ایرانی به سایر کشورهای جهان و از جمله همین کشورهای حاشیه خلیج فارس، می‌خواهد پیشرفت مکران را چگونه تعریف کند که بتواند «پاسخی راهبردی» به عدم موازنه فعلی بین چشم‌اندازهای اجتماعی و اقتصادی حاشیه جنوبی و شمالی خلیج فارس بدهد.

۴- چه مدلی از حکمرانی اقتصادی برای پیشرفت؟

ایران در چند دهه گذشته انواعی از مدل‌های حکمرانی اقتصادی را تجربه کرده است. اگر شروع برنامه‌ریزی اقتصادی هدفمند برای پیشرفت را عصر رضاشاه بدانیم و تا به امروز جلو بیاوریم، می‌توان اشکال زیر از برنامه‌ریزی و مداخله دولت، و همکاری‌های بین دولت و بخش خصوصی را مشاهده کرد.

۱. مداخله مستقیم و سرمایه‌گذاری سنگین صرفاً دولتی در ایجاد زیرساخت‌ها نظیر راه‌آهن و ایجاد صنایع در دوره رضاشاه، و تداوم بخشیدن به این الگو تا به امروز. این الگو به شدت تابع درآمدهای نفتی بوده و در دوره‌هایی که درآمد نفتی قابل توجهی وجود داشته، سرمایه‌گذاری در توسعه زیرساخت‌ها و صنایع (به کمک سرمایه‌گذاری مستقیم دولت یا ارائه ارز و وام ارزان به بخش خصوصی) دنبال شده است.

۲. صنعتی شدن دهه ۱۳۴۰ با کمک سیاست صنعتی مبتنی بر جایگزینی واردات و حمایت از داخلی‌سازی، که یکی از بالاترین نرخ‌های رشد اقتصادی و صنعتی شدن را فراهم کرده است. این الگو بر اثر تعامل سیاست اقتدارگرا و اقتصاد سیاسی درآمدهای سرشار نفتی، تداوم نیافت تا روند آتی آن مشاهده شود. این سؤال بی‌پاسخ ماند که آیا طراحان و برنامه‌ریزان آن الگوی صنعتی شدن به سمت سیاست صادرات‌گرا، جذب و درونی‌سازی فناوری، و همکاری‌های بین‌المللی گسترده‌تر می‌رفتند یا قوی شدن صاحبان صنایع آن‌ها را به سمت تداوم بخشیدن به منافع رانتی ناشی از حمایت‌گرایی سوق می‌داد.

۳. دولتی شدن اقتصاد در ایران بعد از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، دولتی شدن صنایع و اقتصاد، مداخله سنگین دولت در همه بخش‌های اقتصادی با ابزارهای مختلف نظیر قیمت‌های دستوری، مداخله در بازار ارز، اعمال کنترل بر بازار نهاده‌ها، ایجاد انحصارها در بازرگانی خارجی، و هم‌زمان در پیش گرفتن صورت‌های رقیقی از سیاست صنعتی در صنایعی نظیر صنعت فولاد، پتروشیمی، خودروسازی و سایر صنایعی که عمدتاً در زمره صنایع استخراجی هستند.

۴. تلاش برای خصوصی‌سازی که در نهایت سبب تقویت بخش خصوصی نشده و بنگاه‌های خصولتی را تقویت کرده است. بنگاه‌های خصولتی بخش‌های اصلی و سودده اقتصاد را تسخیر کرده‌اند و اصلی‌ترین نهاده‌های تولید (فلزات اساسی، انرژی، مواد معدنی، فراورده‌های نفت

و گاز) در بنگاه‌های خصولتی تولید می‌شوند. اصلی‌ترین مجاری دسترسی به ارز خارجی نیز در اختیار این بنگاه‌هاست.

این مدل‌های حکمرانی اقتصادی^۱ سبب شکل‌گیری ظرفیت‌هایی در اقتصاد ایران شده است. شکل‌گیری سنت توسعه، وجود شرکت‌های توانمند تولیدکننده فراورده‌های ضروری برای پیشرفت (نظیر فولاد، مواد معدنی، انرژی و فراورده‌های بالادستی نفت و گاز)، توسعه شرکت‌های صنعت ساخت و احداث، انبوهی از زیرساخت‌هایی که کالای عمومی برای پیشرفت فراهم می‌کنند، و سطحی از توسعه رفاه، بهداشت، آموزش و درآمد را برای مردم ایران ایجاد کرده است. اما همه این مدل‌ها در نهایت با کاستی‌های زیر نیز مواجه بوده و وضعیت امروز اقتصاد ایران نیز حاصل انباشتی از این کاستی‌هاست.

۱. مدلی از همکاری دولت-بخش خصوصی که در آن «پروژه‌های مشترک» مبنای پیشرفت اقتصادی باشد شکل نگرفته است.

۲. بخش خصوصی به عنوان «امر ناگزیر» و تا حد ممکن «تحت مهار» تلقی شده است. دولت و بخش خصوصی در عمل به جای کار بر روی «پروژه‌های مشترک» رویکردی متکی بر بی‌اعتمادی و فرصت‌طلبی نسبت به یکدیگر داشته‌اند. دولت/حاکمیت، بخش خصوصی را اگرچه در گفتار تحسین و بازوی پیشرفت خوانده اما در عمل با بی‌اعتمادی و بدبینی به آن نگاه کرده است. این بی‌اعتمادی در هر دو عرصه سیاسی و اقتصادی بوده و تلاش کرده با قاعده‌گذاری، نظام مجوزها، مداخله در بازارها و انواع شیوه‌های دیگر آن‌را مهار کند. بخش خصوصی نیز در مقابل تلاش کرده از وام و ارز ارزان، مجوزها، واردات نهاده‌ها، تخصیص زمین در چارچوب مقررات دولتی، معافیت‌های مالیاتی و سایر مجاری توزیع رانت (مولد یا غیرمولد) به منافع دست یابد.

۳. مجموع فعالیت‌های ناشی از کاربست انواع مدل‌های حکمرانی اقتصادی، سبب پیدایش بخش‌های اقتصادی وابسته به رانت انرژی، آب و سایر منابع محیط‌زیستی ارزان؛ نیازمند تساهل سیاست‌گذار در قبال آلوده‌کنندگی صنایع؛ کوچک‌مقیاس و بدون مواهب ناشی از اقتصاد مقیاس؛ اشتغال‌زایی پایین؛ اغلب غیررقابتی در سطح جهانی؛ با ضریب پیچیدگی

۱- بدیهی است که این تقسیم‌بندی چهارگانه، دقت کافی ندارد. دیدگاه‌های نظری و شواهد متفاوت سبب می‌شوند انواع دیگری از رویکردهای حکمرانی راه هم بتوان شناسایی کرد. تقسیم‌بندی ارائه شده هم مدعی جامع و مانع بودن نیست، اما برای مقاصدی که در این متن دنبال می‌کنیم، کفایت دارد.

اقتصادی پایین؛ و به شدت نیازمند حمایت تعرفه‌ای و سایر انواع حمایت؛ شده است.

۴. تشدید تحریم‌ها و کاستن از ارتباطات ایران با اقتصاد جهانی، فرآورده‌های ناشی از انواع مدل‌های حکمرانی اقتصادی در دهه‌های گذشته را با مشکلات بیشتری مواجه ساخته است.^۱

دولت و حکمرانی اقتصادی در مواردی کوشش کرده با ایجاد مناطق آزاد تجاری و صنعتی، تغییراتی در حکمرانی اقتصادی را اعمال کند. بهتر است ارزیابی عملکرد این مناطق را بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ارزیابی کنیم.^۲

«عملکرد مناطق آزاد ایران طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ نشان می‌دهد سهم این مناطق (با لحاظ صادرات خدمات) از صادرات غیرنفتی کشور حدود ۱ درصد، از میزان تولید حدود ۱ درصد، از تعداد واحدهای تولیدی فعال کمتر از ۳ درصد، از جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی حدود ۱۰ درصد و اشتغال‌زایی کل کشور حدود ۴ درصد است. میزان واردات کالا از طریق مناطق آزاد نیز حدود ۲ برابر صادرات کالا از این مناطق به خارج از کشور است. شایان ذکر است وسعت مناطق آزاد بیش از ۳ برابر وسعت شهرک‌ها و نواحی صنعتی کشور بوده، اما میزان اشتغال در شهرک‌های صنعتی بیش از ۳ برابر اشتغال در مناطق آزاد کشور است.

عدم دستیابی به اهداف تشکیل مناطق آزاد در راستای بند «۱۱» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (انتقال فناوری‌های پیشرفته، گسترش و تسهیل تولید، صادرات کالا و خدمات و تأمین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج) و هم‌چنین در مقایسه با مناطق آزاد موفق جهانی ریشه در عوامل متعددی دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتست از:

- اعطای غیرهدفمند معافیت‌ها و امتیازات؛
- وابستگی منابع درآمدی مناطق آزاد به واردات؛
- نبود زیرساخت‌های متناسب با اهداف مولد؛
- تعیین نامناسب وسعت و مکان‌یابی غیردقیق مناطق آزاد؛
- عدم تمرکز بر وظایف تخصصی.

۱- موضوع این متن، تشریح عواقب مدل‌های حکمرانی اقتصادی در ایران نیست و همین میزان کفایت می‌کند. بدیهی است که می‌توان مواردی نظیر بروز فساد، میزان بالای مصرف انرژی، صادرات‌گرا نبودن و بسیاری ویژگی‌های دیگر را نیز به عنوان خروجی‌های روند طی شده ذکر کرد.

۲- معاونت مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۴۰۰) تحلیل و بررسی عملکرد اقتصادی مناطق آزاد تجاری صنعتی جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (<https://rc.majlis.ir/fa/report/download/1654992>)

یکی از نکات کلیدی که این گزارش بر آن تأکید می‌کند، ضرورت انتخاب مدل درست برای این مناطق است. سیاست‌گذار گویی فقط مدل مناطق آزاد تجاری و صنعتی را از سایر کشورها اقتباس کرده و به ملزومات آن‌ها پای‌بند نبوده است. بازتاب نوع رویکرد دولت و بخش خصوصی به یکدیگر را که در این مناطق نیز بازتولید شده است می‌توان به روشنی مشاهده کرد.

سؤال راهبردی: پیشرفت با کدام مدل حکمرانی اقتصادی؟

نظام حکمرانی و سیاست‌گذاری آبادانی و پیشرفت منطقه مکران بعد از مشاهده و تجربه کردن انواع مدل‌های حکمرانی اقتصادی در ایران چند دهه گذشته و بعد از این‌که همه این مدل‌ها با بحران‌هایی مستقیم (ناکارآمدی در دستیابی به اهداف) یا غیرمستقیم (بروز فساد، تشدید نابرابری یا آلودگی محیط‌زیستی) مواجه شده‌اند، باید به این سؤال مهم پاسخ دهد که می‌خواهد کدام مدل از حکمرانی به منظور تحقق پیشرفت در منطقه مکران را به کار بگیرد؟ کدام ترکیب از نقش‌های دولت و بخش خصوصی؛ و در چه تعاملی با جامعه (خواه جامعه محلی و جامعه ایران به‌طور کلی) می‌تواند پیشرفت را ممکن کند؟

۵- با کدام سیاست صنعتی؟

ممکن است در ایران استفاده از واژه «سیاست صنعتی» برای گروه‌هایی خیلی ترسناک، چپ‌گرا و دال بر مداخله گسترده دولت در اقتصاد جلوه کند. اما واقعیت این است که رویکردهای مختلفی به سیاست صنعتی و تجربه‌های گوناگونی از کاربست سیاست صنعتی در جهان وجود دارد.^۱ تعریفی که دنی رودریک در کتاب «سیاست صنعتی و مسأله ایجاد شغل خوب» (۱۴۰۳) ارائه می‌کند، می‌تواند برای بحث این متن راهگشا باشد.

دنی رودریک «سیاست صنعتی را نوعی سیاست بازسازی می‌داند که منظور سیاست‌هایی است که عموماً در جهت بازسازی «تجدید ساختار» فعالیت‌هایی به‌کار گرفته می‌شوند که از پویایی بیشتری برخوردارند، و فرقی نمی‌کند که این فعالیت‌ها در صنایع کارخانه‌ای واقع شده باشند یا در سایر فعالیت‌ها. از دید او سیاست صنعتی یک فرایند خوداکتشافی اقتصادی است؛ نه به معنای وجود یک برنامه‌ریز دانای کل و واقف بر همه امور که می‌تواند با دخالت خود و وضع مالیات و یارانه‌ها تمام آثار بیرونی را درونی کند، بلکه تصویر صحیح یک فرایند راهبردی مبتنی بر تعامل و همکاری میان بخش‌های دولتی و خصوصی است. در یک تعریف گسترده‌تر از منظر رودریک، می‌توان سیاست صنعتی را یک رویکرد سیستمی دانست که هماهنگی نوآوری، سیاست منطقه‌ای و سیاست تجاری با تولید را در هسته اصلی خود ایجاد می‌کند؛ در عین حال که بر صنایع بالادستی و پایین‌دستی، تغییرات بخشی، خوشه‌ها و شبکه‌ها تأثیر می‌گذارد. اهداف اجتماعی باید این موضوع را هدایت کند تا به پایداری و جهانی‌سازی مسئولانه منجر شود. سیاست صنعتی فراتر از شکست بازار آزاد است که نه تنها باید از گفت‌وگو با کارشناسان، گروه‌های ذینفع و شهروندان سود ببرد بلکه باید از تسخیر و تصاحب بازار توسط گروه‌های خاص ذی‌نفع و پوپولیسم نیز جلوگیری کند.» (رودریک، ۱۴۰۳، ص. ۱۵) این تعریف و رویکرد به سیاست صنعتی، می‌تواند پرسش‌ها و ایده‌های راهبردی بنیادینی را ممکن سازد که در صورت پردازش خوب می‌توانند راهبردهای پیشرفت‌سازی در منطقه مکران را هدایت کنند. عناصر این رویکرد به سیاست صنعتی را می‌توان در محورهای زیر خلاصه کرد:

۱- مجموعه آراء و آثار فردریک لیست در سه کتاب «نظام ملی اقتصاد سیاسی» (۱۳۷۰)، «اقتصاد ملی و اقتصاد جهانی» (۱۳۸۷) و «خطوط کلی نظام آمریکایی اقتصاد سیاسی» (۱۳۸۰)؛ تا مجموعه آثار ها-جون چانگ که عمده آن‌ها به فارسی ترجمه شده‌اند، از جمله کتاب «اقتصاد سیاسی سیاست صنعتی» (۱۳۹۳)؛ رویکرد پیتر اوانز در کتاب «توسعه یا چپاول: نقش دولت در توسعه صنعتی» و رویکردهایی نظیر آن‌چه دنی رودریک در کتاب «سیاست صنعتی و مسأله ایجاد شغل خوب» (۱۴۰۳) مطرح می‌کند، ایده‌های متفاوتی درباره سیاست صنعتی ارائه می‌دهند که با آن‌چه در برخی رسانه‌ها و مباحث عمومی درباره روابط دولت و اقتصاد مطرح می‌شود فرق دارد. متأسفانه در مواردی این رویکردها با برجسب چپ‌گرایی به حاشیه رانده می‌شوند و استدلال‌های آن‌ها نادیده گرفته می‌شود.

۱. شناسایی و بازساختاردهی فعالیت‌هایی که پویایی بیشتری دارند.
 ۲. فرایند راهبردی مبتنی بر تعامل و همکاری میان‌های بخش‌های خصوصی و دولتی
 ۳. هماهنگ کردن نوآوری، سیاست منطقه‌ای و سیاست تجاری با هسته تولید
 ۴. تأثیرگذاری بر صنایع بالادستی، پایین‌دستی، تغییرات بخشی، خوشه‌ها و شبکه‌ها
 ۵. هدایت شدن سیاست صنعتی با اهداف اجتماعی
 ۶. مبتنی بودن بر گفت‌وگو با کارشناسان و گروه‌های ذینفع
 ۷. ممانعت از تسخیر شدن سیاست توسط گروه‌های ذینفع خاص
 ۸. ممانعت از بروز پوپولیسم
- همین ۸ ویژگی نشان می‌دهد که تصور سیاست صنعتی به‌مثابه مداخله دولت به منظور انتخاب کردن برترین‌ها یا برنده‌ها، چقدر ساده‌انگارانه و غلط است. این ۸ ویژگی را می‌توان در چند دسته تقسیم‌بندی کرد.
- الزامات سیاست صنعتی
 - هدایت شدن با اهداف اجتماعی
 - تسخیر نشدن توسط گروه‌های ذینفع خاص
 - نیفتاده در دام پوپولیسم
 - اهداف سیاست صنعتی
 - شناسایی و بازساختاردهی فعالیت‌های دارای پویایی بیشتر
 - هماهنگ کردن نوآوری، سیاست منطقه‌ای و سیاست تجاری با هسته تولید
 - تأثیرگذاری بر صنایع بالادستی، پایین‌دستی، تغییرات بخشی، خوشه‌ها و شبکه‌ها
 - روش تدوین سیاست صنعتی
 - تعامل و همکاری میان‌های بخش‌های خصوصی و دولتی
 - گفت‌وگو با کارشناسان و گروه‌های ذینفع

الزامات سیاست صنعتی در مکران

سیاست صنعتی در مکران باید شماری از اهداف اجتماعی را دنبال کند. برخی از این اهداف در فصول قبل تشریح شد، از جمله:

- ایجاد زیستگاه (نه خوابگاه و نه صرفاً کارگاه)
 - پذیرش جمعیت قابل توجهی در زیستگاه
 - امیدآفرینی در نسل جوان و ساختن تصویر جدید و جذابی از ایران در حال پیشرفت
 - ایجاد موازنه با حاشیه جنوبی خلیج فارس و دریای عمان
- اما فهرست اهداف اجتماعی پیشرفت و آبادانی در مکران می‌تواند فراتر از موارد فوق باشد و حداقل موارد زیر را نیز در بر بگیرد:
- فقرزدایی در منطقه بلوچستان و نواحی متأثر از پیشرفت و آبادانی در مکران که می‌تواند مناطقی نظیر کل سیستان و بلوچستان، جنوب کرمان، و هرمزگان را در بر بگیرد.
 - ادغام اجتماعی گروه‌های قومی بلوچ و اهل سنت در فرایند پیشرفت و آبادانی منطقه
 - کاستن از ظرفیت‌های ایجاد ناامنی در شرق و جنوب‌شرقی ایران
 - مقابله مؤثر با قاچاق مواد مخدر از طریق افزایش ظرفیت‌های تولید اقتصادی و خلق امنیت پایدار
 - افزایش امید اجتماعی در سراسر ایران بر اثر مشاهده تجربه موفق خلق زیستگاه پایدار و پیشرفته
- سیاست اقتصادی کشور در پنج دهه گذشته همواره در دام پوپولیسم و تسخیر شدن توسط گروه‌های ذینفع خاص بوده است. دادن منابع ارزان (ارز، وام، نهاده، انرژی، محیط‌زیست و حمایت‌های بی‌دریغ غیرهدفمند) صورت مهمی از پوپولیسم بوده و اصلی‌ترین بهره‌مندان از این اقدامات پوپولیستی نیز گروه‌های خاص بوده‌اند که به قیمت ناکارآمد شدن حیات اقتصادی، ایجاد مقادیر بزرگی از رانت غیرمولد و فساد، به منافع بزرگ رسیده‌اند. سیاست صنعتی در مکران باید با الزامات زیر هدایت شود:
- اجتناب از دادن رانت‌های غیرمولد

- پرهیز از دادن رانت‌های مخرب برای محیط‌زیست و وابسته‌تر شدن جامعه ایران به اقتصاد منابع محور
- دادن رانت‌های مولد (منجر به خلق مزیت‌های رقابتی در بازار جهانی، مبتنی بر نوآوری، تقویت‌کننده سهم ایران در بازارهای صادراتی، تشدیدکننده دسترسی به فناوری رقابت‌پذیر و...)
- منحصر کردن هر گونه حمایت از کسب‌وکارها به زمان محدود و با معیارهای عملکردی مشخص؛ و اجتناب از هرگونه حمایت غیرزمان‌مند و غیرقابل سنجش و بدون عملکرد هدفمند
- قطع‌کننده زنجیره اقدامات پوپولیستی ناشی از مداخله بی‌کیفیت دولت در فرایندهای تولید

اهداف سیاست صنعتی در مکران

- هدف سیاست صنعتی در مکران نباید بازتولید کردن همان ساختارها و فعالیت‌های غالب در محیط فعلی اقتصاد در مکان و جغرافیای دیگری به نام مکران باشد.
- قرار نیست مکران جایی برای تکرار صنایع استخراجی به شدت متکی بر رانت انرژی و محیط‌زیست، غیراشتغال‌زا و با فناوری سطح پایینی باشد که امروز بخش مهم تولید ناخالص داخلی ایران را به خود اختصاص می‌دهند.
 - قرار نیست مکران بازتولیدکننده یکپارچه نبودن نوآوری، سیاست تجاری، سیاست منطقه‌ای و تولید در کشور باشد. مکران می‌تواند منطقه‌ای باشد که در آن ترکیب تولید، نوآوری، سیاست تجاری و سیاست منطقه‌ای به صورت هم‌زمان رخ می‌دهد.
 - قرار نیست مکران منطقه‌ای باشد که نظیر بسیاری از سایر مناطق صنعتی کشور در آن صنایع بالادستی توسعه می‌یابند اما صنایع پایین‌دستی بعد از دهه‌ها هنوز توسعه نیافته‌اند و ارزش افزوده ناشی از تولیدات پایین‌دستی در کشور به دست نمی‌آید.
 - قرار نیست مکران جایی باشد که در آن سرریز فعالیت اقتصادی در قالب تقویت خوشه‌های صنعتی-اقتصادی مولد ارزش افزوده و اشتغال، و تقویت شبکه‌های هم‌افزای فعالیت اقتصادی، به تقویت اقتصاد ملی نمی‌انجامند.

روش تدوین سیاست صنعتی در مکران

ما در فصول قبل به پیشرفت از طریق صورت‌بندی و پیشبرد «پروژه‌های مشترک» بین بخش خصوصی و دولتی سخن گفتیم. هم‌چنین توضیح دادیم که بخش خصوصی و بخش دولتی در ایران همواره رویکردهای مبتنی بر بی‌اعتماد و فرصت‌طلبی را نسبت به یکدیگر داشته‌اند. سیاست صنعتی در مکران:

- بر اساس برنامه‌ریزی متمرکز دولتی و صرفاً فهرست و مکتوب کردن اولویت‌های حکومتی/دولتی طراحی نمی‌شود.
- گفت‌وگوی هدفمند با کارشناسان و ذینفعان اصلی‌ترین روش نزدیک شدن به صورت‌بندی سیاست صنعتی در چارچوب الزامات و اهداف گفته‌شده برای سیاست صنعتی است.
- باید سطح بالایی از تعامل بخش خصوصی، بخش دولتی، و در این مورد خاص، اجتماع محلی و سایر اجتماعات متأثر از پیشرفت و آبادانی در مکران، مبنای عمل برای تدوین سیاست صنعتی قرار گیرد.

کدام سیاست صنعتی؟

نظام حکمرانی و سیاست‌گذاری آبادانی و پیشرفت منطقه مکران باید به این سؤال پاسخ دهد که آیا می‌خواهد خود را از بند وزن «مسیر طی شده» در اقتصاد و سیاست‌گذاری ایران رها کند یا چنین قصدی ندارد. اگر بنا باشد سیاست صنعتی به معنایی که تشریح شد مبنای قرار گیرد، این سیاست صنعتی نمی‌تواند با همان رویه‌ها و نیروهایی هدایت شود که در چند دهه گذشته سبب توسعه اقتصاد منبع‌محور، رانتی، وابسته به صنایع استخراجی، تحت نفوذ گروه‌های خاص ذینفع و با سطح بالایی از پوپولیسم شده است.

۶- چه آورده‌ای برای اقتصاد ایران؟

پیشرفت و آبادانی در مکران با هدف تأمین چه آورده‌ای برای اقتصاد ایران صورت می‌گیرد؟ پاسخ به این سؤال که اقتصاد ایران از پیشرفت و آبادانی در منطقه مکران چه می‌خواهد، تابع پاسخ به این سؤال نیز هست که در شرایط فعلی اقتصاد ایران در چه وضعیتی است؟ مرکز پژوهش‌های مجلس در آبان ۱۴۰۳ با استناد به گزارش‌های مختلف مراجع رسمی و دولتی، وضعیت اقتصاد ایران را به صورت خلاصه در گزارشی با عنوان «تحلیل تحولات و چشم‌انداز اقتصاد ایران در آستانه تدوین بودجه ۱۴۰۴» (عبداللهی، محمدرضا. و همکاران، ۱۴۰۳) منتشر کرده است. گزاره‌های بنیادین این گزارش در قالب ۲۱ مورد در ادامه ذکر شده است.

۱. رشد اقتصادی ۲/۵ و ۲/۸ درصدی در سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ پیش‌بینی می‌شود. این مقادیر با رشد ۸ درصدی تعیین شده در برنامه هفتم فاصله دارد.
۲. نرخ تورم کل ۳۵ درصد است و با فرض ثبات شرایط، در همین حد ثابت می‌ماند.
۳. روند ناترازی‌های بودجه و بانکی هم‌چنان در حال تشدید است.
۴. ناترازی انرژی چالش جدی است. قطعی برق صنایع صرفاً در مردادماه ۱۴۰۳ معادل ۱/۵ میلیارد دلار ارزش ستانده (تولید) این بخش را کاهش داده است. ناترازی برق در سال ۱۴۰۲ به بیش از ۱۲۴۰۰ مگاوات رسیده است. ناترازی گاز نیز در ۳ ماه سرد سال و سردترین ماه سال به ترتیب ۲۲۷ و ۳۱۵ میلیون مترمکعب در روز بوده است.
۵. نرخ فقر مثل چند سال گذشته ۳۰ درصد بوده و چسبندگی در سطح فقر ایجاد شده است. کاهش فقر مستلزم تحقق رشد اقتصادی مستمر و فراگیر، و کاهش تورم است.
۶. تنیدگی بخش صنایع و معادن با اقتصاد جهانی کاهش یافته که این موضوع از منظر کنار ماندن از زنجیره‌های جهانی ارزش و به‌خصوص کاهش رقابت‌پذیری محصولات داخلی بسیار حائز اهمیت است. (صص. ۹-۸)
۷. تشکیل سرمایه ثابت در ماشین‌آلات در دهه ۱۳۸۰ به‌طور متوسط ۴ درصد رشد داشته است، اما در دهه ۱۳۹۰ کاهش قابل توجه داشته و به‌طور متوسط منفی ۷/۷ درصد بوده است. ... مقایسه سطح تشکیل سرمایه ثابت در سال ۱۳۹۰ و ۱۴۰۲ حکایت از کاهش این شاخص به

- کمتر از نصف طی دوره مذکور دارد. این موضوع به خصوص از منظر رشد بهره‌وری در اقتصاد اهمیت به‌سزایی دارد.
۸. جمعیت فعال مردان در تابستان ۱۴۰۳ حدود ۱۶۰ هزار نفر بیشتر از تابستان ۱۳۹۸ است؛ اما جمعیت فعال زنان در تابستان ۱۴۰۳ نسبت به سال ۱۳۹۸ حدود ۶۴۰ هزار نفر کمتر است.
۹. مقایسه شاغلین در تابستان ۱۴۰۳ نسبت به سال ۱۳۹۸ نشان می‌دهد تعداد شاغلین طی این دوره ۵ ساله حدود ۳۷۸ هزار نفر (سالانه ۷۵ هزار نفر) افزایش یافته که با هدف رشد شاغلین برنامه ششم و هفتم (متوسط ۱ میلیون نفر در سال) فاصله بسیار دارد.
۱۰. شکاف تولید کاهش یافته و برخلاف دوره ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۲ که بخش مهمی از رشد اقتصادی از محل استفاده از ظرفیت‌های خالی اقتصاد حاصل شده، دیگر نمی‌توان به استفاده از ظرفیت‌های خالی برای تحقق رشد اقتصادی بالا امیدوار بود.
۱۱. مقدار موجودی سرمایه که در ابتدای دهه ۱۳۹۰ حدود ۳ درصد بوده در سال ۱۴۰۲ به حدود ۱/۲ درصد کاهش یافته است.
۱۲. شاخص بهره‌وری نیروی کار و سرمایه در سال ۱۴۰۲ تقریباً در سطح شاخص بهره‌وری این عوامل تولید در سال ۱۳۹۰ بوده است. مهم‌ترین عامل عدم رشد بهره‌وری در دوره ۱۴۰۲-۱۳۹۹ رشد ناچیز تشکیل سرمایه در ماشین‌آلات به عنوان عامل کلیدی در رشد صنایع و افزایش بهره‌وری بوده است.
۱۳. رشد نامتوازن دستمزدهای نیروی کار در بخش کشاورزی و صنعت، نسبت به بخش خدمات، سبب مهاجرت نیروی کار از بخش‌های صنعت و کشاورزی به خدمات شده است.
۱۴. اصرار بر قیمت‌گذاری دستوری برای کاهش تورم سبب اختلال در سودآوری بنگاه‌ها و افزایش درخواست تسهیلات شده که کل‌های پولی را متأثر می‌سازد. هم‌چنین این موضع در کاهش سرمایه‌گذاری و تشکیل سرمایه ثابت منعکس خواهد شد.
۱۵. ارزش دلاری هر کیلوگرم صادرات گمرکی ایران در سال ۱۴۰۳ برابر ۰/۳۶ دلار بوده و ارزش دلاری هر کیلوگرم واردات نیز ۱/۷۸ دلار بوده است. ضمن آن‌که رشد ارزش هر کیلوگرم صادرات نسبت به سال ۱۴۰۲ معادل ۲/۹ درصد و رشد ارزش هر کیلوگرم واردات ۳/۹ درصد بوده است.

به عبارتی، نه تنها ارزش هر کیلوگرم واردات $۴/۹$ برابر هر کیلوگرم صادرات است، بلکه این مبادله نابرابر به زیان ایران در حال تشدید شدن نیز هست.

۱۶. روند کاهش ارزش نسبی صادرات به واردات، از سال ۱۳۸۵ به این سو، همواره ادامه داشته و به غیر از بازه‌ای در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴، این روند کاهشی بوده است.

۱۷. سهم صادرات نفتی از کل صادرات روند صعودی داشته و به رقم بی‌سابقه ۶۲ درصد از کل صادرات رسیده است. حدود ۶۰ درصد صادرات غیرنفتی نیز عملاً به صادرات نفتی وابسته است و بنابراین تنها ۴۰ درصد صادرات غیرنفتی - در حدود ۱۹ میلیارد دلار از درآمدهای ارزی کشور - تقریباً مستقل از نفت است.

۱۸. شرکای تجاری کشور ایران برای این میزان صادرات نیز بسیار اندک و متمرکز هستند. هرگونه تغییر رویکرد سیاسی این کشورها، تأمین ارزش کشور را می‌تواند با چالش مواجه سازد. این بخش از صادرات کشور از ماندگاری بسیار پایینی نیز برخوردار است و این نوع کالاها برای چند سال پیاپی در فهرست کالاهای صادراتی کشور قرار ندارند.

۱۹. برآوردها از میزان قاچاق ورودی در حدود ۳۲ میلیارد دلار را نشان می‌دهد که به معنای واردات حدود ۹۷ میلیارد دلار به کشور است. بنابراین فشار تقاضای ارز بیش از ارقام مربوط به واردات رسمی است.

۲۰. کسری فزاینده صندوق‌های بازنشستگی در سال ۱۴۰۴ به ۵۷۵ هزار میلیارد تومان خواهد رسید.

۲۱. مقدار ضریب جینی در سال ۱۴۰۲ برابر $۰/۳۹$ بوده که نزدیک‌ترین مقدار به بالاترین ضریب جینی مشاهده شده در دهه ۱۳۹۰، یعنی ضریب جینی سال ۱۳۹۷ ($۰/۳۹۸$) است.

این ۲۱ یافته یا گزاره درباره وضعیت و چشم‌انداز اقتصاد ایران، سؤالات بنیادینی پیش می‌آورد. این سؤالات ناظر بر انتظاراتی که حکمران و سیاست‌گذار می‌تواند (و باید) از پیشرفت و آبادانی در منطقه مکران داشته باشد. برخی از مهم‌ترین این سؤالات عبارتند از:

۱. آیا ترکیب و کیفیت استقرار صنایع و فعالیت‌های کسب‌وکاری در مکران قرار است الگوی فعلی وابسته‌تر شدن به صادرات مستقیم نفت (۶۲ درصد از ترکیب صادراتی فعلی) و صادرات وابسته به نفت (۶۰ درصد از کل صادرات غیرنفتی) را تقویت کند یا راهی به سوی متنوع‌سازی سبد

محصولات صادراتی ایران باشد؟

۲. آیا ترکیب و کیفیت استقرار صنایع و فعالیت‌های کسب‌وکاری در مکران قرار است نسبت ارزش هر کیلوگرم صادرات به واردات ایران را کاهش دهد یا افزایش دهد؟
۳. آیا ترکیب و کیفیت استقرار صنایع و فعالیت‌های کسب‌وکاری در مکران قرار است ناکامی اقتصاد ایران در اشتغال‌زایی بودن در سطح ۱ میلیون شغل در سال را تداوم بخشد یا با استقرار صنایع و کسب‌وکارهای کاربر، از شدت این معضل کم کند؟
۴. آیا ترکیب و کیفیت استقرار صنایع و فعالیت‌های کسب‌وکاری در مکران قرار است بر چند معضل اجتماعی اساسی (فقر و چسبندگی فقر، اشتغال پایین زنان و نابرابری زیاد) ناشی از وضعیت اقتصاد ایران، غلبه کند یا با ادامه دادن مسیر طی شده (از جمله تمرکز بیشتر بر افزایش صنایع استخراجی سرمایه‌بر) این معضل را تشدید کند؟
۵. آیا ترکیب و کیفیت استقرار صنایع و فعالیت‌های کسب‌وکاری در مکران قرار است با فراهم کردن فضای کار برای نیروهای متخصص فارغ‌التحصیل دانشگاه‌ها، و اقدامات مکمل نظیر توسعه مهارت‌آموزی نیروی کار، باعث بالا رفتن سطح دستمزدهای بخش صنعت و کشاورزی شده و جریان مهاجرت نیروی کار به بخش خدمات؛ و هم‌چنین مهاجرت نیروی انسانی کشور به خارج را کند و نهایتاً متوقف کند؟
۶. آیا ترکیب و کیفیت استقرار صنایع و فعالیت‌های کسب‌وکاری در مکران قرار است از طریق توسعه همکاری‌های خارجی و جلب مشارکت سایر کشورها و شرکت‌های بین‌المللی در تولید محصولات پیچیده‌تر و ارزش صادراتی بالاتر، مشکل نرخ پایین بهره‌وری ناشی از کم بودن تشکیل سرمایه ثابت ماشین‌آلات را درمان کند و شاخص بهره‌وری کل سرمایه و نیروی کار را افزایش دهد، یا بر مسیر طی شده در گذشته اصرار می‌ورزد؟
۷. آیا ترکیب و کیفیت استقرار صنایع و فعالیت‌های کسب‌وکاری در مکران قرار است به تولید کالاهایی بینجامد که با متنوع‌تر، پیچیده‌تر و ارزشمندتر کردن کالاهای صادراتی ایران، کشورهای مقصد صادرات کالای ایرانی را تنوع بخشیده و از میزان وابستگی به مقاصد محدود و متمرکز کم کند، یا اصرار بر افزایش تولید کالاهایی است که همین الان نیز صرفاً به مقاصد محدود و متمرکزی صادر می‌شوند و کشور را در معرض خطر بی‌ثباتی و نااطمینانی به منابع

تأمین ارزی قرار می دهند؟

۸. آیا محیط حکمرانی و سیاست‌گذاری اقتصادی در منطقه مکران قرار است همان الگوی اقتصاد دستوری، قیمت‌گذاری دستوری و تداوم مشکلات ناشی از این الگو باشد، یا قرار است اصلاحات حکمرانی و سیاست‌گذاری اقتصادی در این منطقه اجرا شده و از اساس محیط کسب‌وکاری شکل بگیرد که قواعد بازی متمایزی دارد؟ آیا حکمران و سیاست‌گذار می‌خواهد منطقه مکران را به آوردگاه حکمرانی و سیاست‌گذاری اقتصادی متفاوتی بدل کند که با مشاهده پذیر کردن فواید این الگو برای مردم، تسری اصلاحات به کار گرفته شده در این آوردگاه به بقیه کشور را ممکن کند، یا قرار است تمام ناکامی‌ها، شکست‌ها و کاستی‌های مدل فعلی حکمرانی و سیاست‌گذاری اقتصادی کشور را به منطقه مکران هم تسری دهد؟

۹. آیا ترکیب و کیفیت استقرار صنایع و فعالیت‌های کسب‌وکاری در مکران قرار است از طریق استقرار صنایع انرژی‌بر، تشدیدکننده ناترازی‌های انرژی باشد یا از طریق استقرار صنایع کم‌انرژی‌بر، اتکای بیشتر بر منابع انرژی تجدیدپذیر، و اصلاح اقتصاد انرژی در منطقه مکران، مدل پایداری از سرمایه‌گذاری در منابع انرژی، مصرف بهینه و پایداری منابع و مصارف را ارائه کند؟

۱۰. آیا قرار است سیاست‌گذار بحران‌های اقتصادی ناشی از مدل گذشته و حال اقتصاد ایران را به منطقه مکران هم تسری دهد، یا قرار است مدلی از تولید و خلق ارزش و ثروت در منطقه مکران به کار گرفته شود که عواید ناشی از آن بتواند در حل مسأله ناترازی‌های بزرگ اقتصادی نظیر مسائل مربوط به بانک‌ها، صندوق‌های بازنشستگی و سایر ناترازی‌ها کمک کند؟

پاسخ این سؤالات نسبت و ثیقی دارند با سیاست صنعتی که در فصل قبل به آن پرداخته شد و اثر تعیین‌کننده‌ای بر استقرار صنایع و سایر کسب‌وکارها در منطقه مکران خواهد داشت.

کدام آورده برای مشکلات ساختاری اقتصاد ایران؟

حکمرانی و سیاست‌گذاری آبادانی و پیشرفت در منطقه مکران می‌خواهد بخشی از پاسخ‌های راهبردی و درازمدت به پرسش‌های بنیادین ناظر بر رفع مشکلات ساختاری اقتصاد ایران باشد، یا با ادامه دادن مسیرهای طی شده و بازآفرینی محیط کسب‌وکار و فضای اقتصادی و سیاست اقتصادی موجود در کشور، مهم‌ترین و بزرگ‌ترین عرصه سرزمینی باقی مانده برای نوع و الگویی متفاوت از پیشرفت و آبادانی را نیز مانند بقیه کشور بازتولید می‌کند؟

۷- کدام جانمایی در کدام نظم ژئوپلیتیک-ژئواکونومیک؟

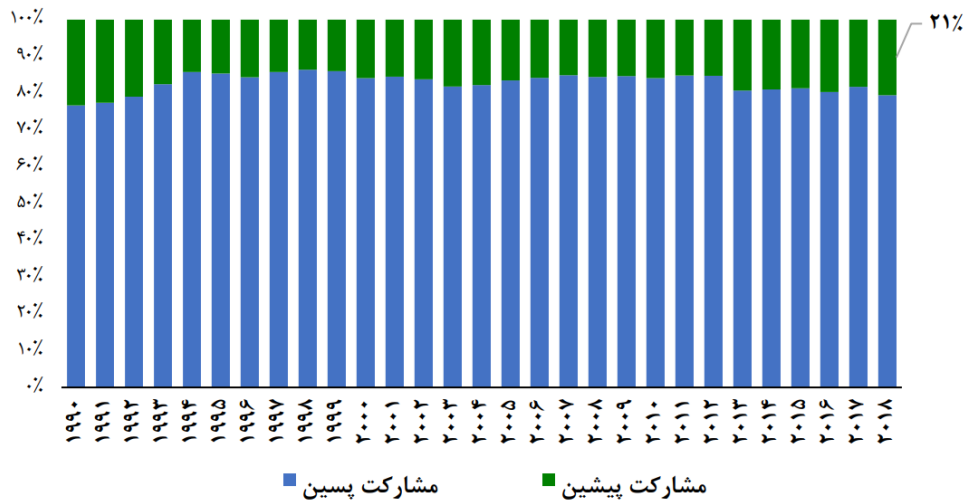
رئیس مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی ایران در بهمن‌ماه ۱۴۰۱ بر اساس تحلیل صورت گرفته روی جدول داده-ستانده تجارت خارجی ایران و جهان، و بررسی اقتصاد ۷۰ کشوری که ۹۵ درصد اقتصاد جهانی را تشکیل می‌دهند، به صراحت جملاتی دردناک درباره وضعیت اقتصاد ایران در جهان بیان می‌کند. محمد قاسمی در می‌گوید: «جدول جامع داده -ستانده بخش تجارت خارجی ایران، یک آینه شفاف است که اثر جهت‌گیری‌های ایران در حوزه اقتصاد و نتایج این جهت‌گیری در زنجیره جهانی را به خوبی نشان می‌دهد. ... ما از نقشه تجارت بین‌الملل حذف شده‌ایم و این جدا از تبعاتی که برای رشد اقتصادی ما دارد، خطراتی برای امنیت ملی ما دارد که باید به آن توجه شود. ... دردآورترین نتیجه این مطالعات و پژوهش‌ها که بر مبنای محاسبات صورت‌گرفته به دست آمده این است که «بود و نبود اقتصاد ایران» اثرچندانی بر اقتصاد بین‌الملل ندارد. موضوعی که بسیار تاسف‌بار است و بزرگ‌ترین اثر این وضعیت آن است که آسیب رساندن به اقتصادکشور به‌سادگی ممکن خواهد شد. ... کشور هم نمی‌تواند تا ابد با این ایده پیش رود که من صرفاً درون مرزهای خود به تولید می‌پردازم و مردم هم ملزم به مصرف همین محصولات هستند. اینکه چه چیزی را برای چه کسی تولید کنیم موضوعات مهمی هستند.»^۱

مطالعات دیگری هم همین وضعیت را با بیان‌های دیگری نشان می‌دهند و البته هر قدر به زمان حال نزدیک شده‌ایم وضعیت بدتر شده است. مطالعه‌ای که نتیجه آن در سال ۱۳۹۹ منتشر شده بود نشان می‌داد «ادغام پسین ایران در زنجیره‌های جهانی ارزش افزایش یافته اما ادغام پیشین آن کم شده و اقتصاد ایران به سمت بالادست زنجیره ارزش حرکت کرده است. ضمن این‌که ایران برای کسب منفعت از زنجیره‌های جهانی ارزش، مسیر رقابت با اتکا بر وفور عوامل را در بخش‌های آلاینده و انرژی بر نظیر نفت، معدن، پتروشیمی و صنایع فلزی دنبال می‌کند.»^۲

1- <https://otaghiranonline.ir/news/55488>

۲- نجارزاده، رضا، عاقلی، لطفعلی، درگاهی، حسن. و بیابانی‌خامنه، کاظم. (۱۳۹۹) «اندازه‌گیری شاخص‌های وضعیت اقتصادی ایران در زنجیره‌های جهانی ارزش و مقایسه با کشورهای منتخب.» فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال ۲۸، شماره ۹۴، صص. ۱۲۹-۱۰۱.

مشارکت پسین و پیشین ایران در زنجیره ارزش جهانی



مشارکت پیشین و پسین ایران در زنجیره ارزش جهانی نشان می‌دهد که ایران تولیدکننده محصولات است که در بالادست زنجیره ارزش قرار دارند و فاصله آن‌ها تا مصرف‌کننده نهایی زیاد است. ایران تولیدکننده محصولاتی است که صادر شده و در قالب مشارکت پسین، به ارزش افزوده برای واردکنندگان این کالاها تبدیل می‌شوند. تحریم‌ها به همین مشارکت پسین ایران در زنجیره ارزش جهانی نیز ضربه جدی زده‌اند.

این حذف شدن از زنجیره‌های ارزش جهانی فقط امر اقتصادی نیست بلکه از نظم ژئوپلیتیک-ژئواکونومیک اثر می‌پذیرد و هر گونه تغییر در این وضعیت می‌تواند به معنای بازی کردن در نظم ژئوپلیتیک-ژئواکونومیک متفاوتی هم باشد. (نک: ترابی فرد و رزم‌آهنگ، ۱۴۰۲ الف، و ۱۴۰۲ ب) مسأله فقط این نیست که برخی فعالیت‌های اقتصادی که ایران به‌طور سنتی در آن‌ها تخصصی شده بود (نظیر تولید و صادرات نفت) و حوزه‌هایی نظیر پتروشیمی یا مواد معدنی، تحت تحریم قرار گرفته‌اند و ارزش اقتصادی-امنیتی آن‌ها برای ایران کم شده است. مسأله هم‌چنین پیوند یافتن اقتصاد ایران با نظم ژئوپلیتیک-ژئواکونومیک جدیدی است که در آن:

- مناقشات میان چین و آمریکا در چارچوب‌های ژئواکونومیک-ژئوپلیتیک اثر ماندگار و بسیار تعیین‌کننده، و در عین حال بلندمدت و تمدنی بر ایران باقی می‌گذارند.
- کریدورهای عظیمی که در آن‌ها انرژی، داده، مبادلات مالی، کالا، تولید صنعتی و مسافر جریان می‌یابند در حال توسعه در اطراف ایران هستند. حداقل آمریکا، چین، هند، امارات، ترکیه، عربستان، عراق، آذربایجان و اسرائیل بازیگران مهمی در این کریدورها هستند و کنش‌های آن‌ها

تأثیرات تعیین‌کننده‌ای بر امروز و آینده ایران دارد.

- جغرافیای ایران به گونه‌ای است که ظرفیت‌های برای بازیگری در این مناسبات کریدوری و ژئوپلتیک-ژئواکونومیک ایجاد می‌کند، و همین جغرافیا یکی از عوامل ضمیمه شدن ایران به پرونده‌های مناقشات بین قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای هم هست.
- پرونده تحریم‌ها علیه ایران و حل و فصل آن‌ها به نفع پیشرفت و آبادانی آتی ایران، به جایگاه ایران در مناقشات ژئوپلتیک-ژئواکونومیک پیوند خورده است.

پیشرفت و آبادانی مکران در چنین فضایی که ایران به نوعی از زنجیره ارزش جهانی حذف شده و در همان حال تلاش باید تلاش کند تا خود را در فضای ژئوپلتیک-ژئواکونومیک جدید تعریف کند، مطرح می‌شود. مکران تنها منطقه ایران از نظر دسترسی به اقیانوس است و از این جهت بیشترین قابلیت برای تعریف ایران در چارچوب نظم ژئواکونومیک دریایی را دارد. مکران هم‌چنین به کریدورهایی که در جنوب ایران توسعه می‌یابند، به امارات عربی متحده، به پاکستان که یکی از شرکای راهبردی چین در «ابتکار کمربند و جاده» است، و به هند که در سودای استفاده از کریدور شمال-جنوب برای دسترسی به اروپا از مسیر ایران و روسیه است، نزدیکی دارد.

هم‌چنین اگر از زاویه سیاست صنعتی و آورده‌های پیشرفت و آبادانی مکران برای اقتصاد ایران (دو فصل قبل همین متن) به موضوع نگاه کنیم، سؤال بزرگ این است که مکران در چارچوب کدام سیاست صنعتی، با طراحی به منظور تولید کدام آورده برای اقتصاد ایران، قرار است به جانمایی مناسبی از ایران در نظم ژئوپلتیک-ژئواکونومیک جدید کمک کند به نحوی که در برداشتن موانع تحریمی هم کمک کند.

مکران و جانمایی در نظم ژئوپلتیک-ژئواکونومیک جدید

حکمرانی و سیاست‌گذاری آبادانی و پیشرفت در منطقه مکران به شرطی می‌تواند از ظرفیت‌های این منطقه برای بهبود وضعیت اقتصادی، امنیت پایدار و نقش‌آفرینی مثبت آن در مسیر اقتدار کشور استفاده کند که به سؤالات بسیار مهمی درباره وضع موجود حذف شدن اقتصاد ایران از زنجیره‌های ارزش جهانی، و نسبت بین سیاست صنعتی، آورده‌های پیشرفت و آبادانی مکران برای اقتصاد ایران، و جانمایی جدیدی برای ایران در نظم ژئوپلتیک-ژئواکونومیک در حال شکل‌گیری در اطراف ایران (و جهان) پاسخ دهد. تعریف هر نقشی برای مکران جدای از مناسبات کلان‌تر «جایگاه ایران در جهان» به معنای از دست دادن یکی از فرصت‌های مهم برای تأمین امنیت و پیشرفت پایدار کشور است.

۸- پیشرفت و آبادانی مکران: آزمون ایران در دنیای جدید

الگوهای پیشرفت و آبادانی هیچ کشوری به طور کامل در کشورهای دیگر قابل اجرا و تکرار نیست. هر کشوری از نظر سیاسی، اقتصادی، جغرافیایی، اجتماعی و سطح فناوری و بلوغ سازمان‌ها و بسیاری عوامل مختصاتی ویژه خود دارد که سبب می‌شود «بهترین سرمشق‌ها» که در کشورهای دیگر استفاده شده‌اند هم قابل تقلید نباشند، اما از همه موارد موفق می‌توان بینش‌هایی به دست آورد. چین یکی از کشورهایی است که در دهه ۱۹۸۰ با رویکردی جدید به جهان اقتصاد، حرکت متفاوتی نسبت به گذشته را آغاز کرد. دنیای جدید چینی‌ها در دهه ۱۹۸۰ آغاز شد و از این آزمون سربلند بیرون آمدند.

منطقه ویژه اقتصادی شنژن در جنوب شرقی چین، فعالیت خود را در دهه ۱۹۸۰ آغاز کرد. شنژن ادامه و تسری سیاست‌های تجربه‌شده چین در سال‌های ۱۹۴۹ تا ۱۹۷۹ نبود، بلکه شنژن پیام جدید چین برای داخل و خارج کشورش بود. شنژن که کمی بیش از ۴۰ سال پیش منطقه‌ای روستایی بود، امروز به سیلیکون ولی چین تبدیل شده است. شنژن در سال ۲۰۱۹ از نظر ستانده اقتصادی با سهم ۳۰۳ میلیارد دلاری در تولید ناخالص داخلی چین، بعد از شانگهای و پکن، سومین ناحیه شهری اقتصاد چین بوده است، و ۲۲مین شهر دارای بیشترین رقابتی بودن بین مراکز مالی دنیاست. (UN-Habitat, ۲۰۱۹)

شنژن با مونتاژ قطعات و فراوری مواد و در سطح پایین فناوری و با صنایع کاربرمحور شروع کرد و به تدریج به سطح توسعه صنایع سرمایه‌بر، تحول اقتصادی در میانه زنجیره‌های صنعتی جهانی، و در نهایت به سمت توسعه مبتنی بر نوآوری با تولید کالاهای بالای زنجیره صنعتی جهانی حرکت کرد. (محمدی‌فرد، ۱۴۰۲، ص. ۲)

نکته مهم در خصوص شنژن - و البته برخی دیگر مناطق اقتصادی ویژه در چین - این است که علاوه بر مجموعه‌ای از اقدامات مالی، توسعه زیرساختی، اعمال سیاست صنعتی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و صنعتی شدن گام به گام و تدریجی، این منطقه شهری کانون دو دست‌آورد بزرگ چین بوده است:

- منطقه آزمایشی برای آزمودن تجارت آزاد و اصلاحات منتهی به بهبود اقتصادی و صنعتی شدن چین؛ و سپس بسط دادن این الگو به سایر نقاط. الگوهای آزموده شده در شنژن به تدریج به سایر نقاط هم توسعه داده شده‌اند و آمار آنکتاد نشان می‌دهد چین در حال بسط دادن این الگو

به ۲۵۰۰ منطقه ویژه اقتصادی است. (محمدی‌فرد، ۱۴۰۲، ص. ۱۶۲) نکته مهم این است که چین از ظرفیت مناطق ویژه اقتصادی برای حکمرانی متفاوت و متعهد به جذب سرمایه‌گذاری خارجی، توسعه زیرساخت‌های مناسب، اصلاح قواعد حکمرانی اقتصادی، آزادسازی تدریجی، جذب فناوری، بسط دادن مشارکت‌های فناورانه، و به تدریج افزایش سخت‌گیری در اعمال مقرراتی که باعث بهبود رقابت‌پذیری و حتی وضعیت محیط‌زیست شوند، و نوآوری را ترویج کنند استفاده کرده است.

- توسعه دادن زیستگاه - یعنی جایی که ترکیبی از کارگاه به عنوان بنیان اقتصادی و مادی زندگی و زیست‌پذیری با یکدیگر ترکیب شده‌اند - بزرگی که امروز پذیرای حدود ۲۰ میلیون نفر است. ورنر لانگ و شی بین در فصل پنجم کتاب «داستان شنژن: تحولات اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی» (UN-Habitat, ۲۰۱۹) با بررسی سیستم‌های حمل و نقل شهری، انرژی سبز و سیاست‌های توسعه پایدار شنژن معتقدند این شهر می‌تواند در آینده نزدیک برای همسایگان و سایر شهرها در زمینه سیستم‌های زیرساخت شهری پایداری مدلی باشد. (P. ۸۵) مهم این است که الگویی از شهر و زیستگاه مدرن بر اثر تجربه پیشرفت اقتصادی نیز خلق شده است (O'Donnell., Wong. & Bach, ۲۰۱۷) و حتی به الگویی جهانی نیز تبدیل شده است.

اشاره به تجربه چین در شنژن ابداً به معنای تقلید کردن محض از آن تجربه نیست. ایران تحت تحریم، دارای سطح بالایی از خطرات امنیتی بالقوه و شرایط اقتصادی‌ای که در همین متن به آن‌ها اشاره شد، شرایط متفاوتی دارد. اما سؤال مهم این است که آیا حکمرانان و سیاست‌گذاران اقتصادی می‌خواهند منطقه مکران را به ایده راهبردی ایران برای ورود به دنیای جدید از مسیر اقتصادی تبدیل کنند و در عمل حرف جدیدی را رو به جهان و رو به جمعیت داخل کشور بیان کنند، یا فقط قصد دارند الگوهای آزموده‌شده پیشین را در منطقه‌ای جدید تکرار کنند؟

شباهت‌های تاریخی و جغرافیای تأمل‌برانگیزی هم بین منطقه مکران و شنژن وجود دارد که به درد تقلید کردن نمی‌خورند اما برای تأمل و کسب بینش به کار می‌آیند. شنژن در جنوب شرقی چین دسترسی به دریا و اقیانوس داشت و علی‌رغم همه ظرفیت‌هایش، منطقه‌ای توسعه‌نیافته بود. هم‌زمان در نزدیکی هنگ‌کنگ بود و امکان تجربه‌آموزی و توسعه ارتباطات هم وجود داشت. جمعیت زیادی هم در آن ساکن نبودند. مکران نیز وضعیت‌های مشابهی دارد. منطقه‌ای با دسترسی به اقیانوس - که بر خلاف چین، تنها منطقه دارای دسترسی اقیانوسی ایران است - که جمعیت زیادی ندارد و توسعه‌نیافته

هم هست. این منطقه هم‌زمان در شمال منطقه پررونق اقتصادی امارات متحده عربی در جنوب خلیج فارس قرار دارد و از طریق دریا به کشور در حال رشد سریع هند، و با فاصله‌ای دورتر به چین هم دسترسی دارد.

اما بزرگ‌ترین شباهت شنژن و مکران در جغرافیا و ارتباطات جغرافیایی نیست. پیشرفت و آبادانی ناشی از برنامه‌های هدفمند دولت چین در شنژن زمانی آغاز شد که چین بعد از سه دهه مداخله سنگین دولت در اقتصاد و تجربه کردن اقتصاد کمونیستی، و فاصله‌گذاری شدید بین سطح فناوری، ثروت و قدرت اقتصادی غرب و چین، در آستانه تصمیمی عظیم برای تغییر دادن ریل‌گذاری سیاست اقتصادی و ترکیب آن با ملاحظات ژئواکونومیک و ژئوپلتیک بود. ایران امروز هم در چنین وضعیتی حداقل از نظر سیاست اقتصادی است. حکمرانی و سیاست‌گذاری اقتصادی تجربه‌شده در چند دهه گذشته به وضعیتی انجامیده است که پیش‌تر آن را در قالب ۲۱ گزاره تشریح کردیم. حکمرانی و سیاست‌گذار اقتصادی ایرانی که با موجی از ناامیدی اجتماعی، ظرفیت‌های تنش و انواع ناترازی‌ها مواجه است، باید حرف و ایده جدیدی مطرح کند و ضمن خلق سرمایه اجتماعی، زمینه‌سازی برای نوع متفاوتی از حکمرانی اقتصادی را انجام دهد که متناسب با مسأله‌هایی باشد که پیش رو دارد.

سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرای پیشرفت و آبادانی در منطقه مکران، آزمایشگاه توانایی‌های حکمرانی در تلفیق کردن مجموعه‌ای مطلوب‌هاست:

- اهداف اجتماعی با سیاست صنعتی؛
- توانایی رها شدن از سیاست‌های مولد ناکارآمدی، رانت و فساد، و هم‌زمان جلب سرمایه‌گذاری مولد بخش خصوصی و سرمایه خارجی؛
- اجرای گام به گام صنعتی شدن به منظور جانمایی بهتر در زنجیره‌های ارزش جهانی و استفاده راهبردی از ظرفیت ژئواکونومیک و ژئوپلتیک مکران برای تعامل با قدرت‌های سیاسی و اقتصادی جهانی؛ و ترکیب امنیت و پیشرفت؛
- امیدآفرینی اجتماعی و موازنه‌سازی بین شمال و جنوب خلیج فارس و دریای عمان؛
- و نهایتاً خلق زیستگاهی است که به عنوان دست‌آورد توانایی‌های حکمرانی و سیاست‌گذاری همه‌جانبه و بلندمدت‌نگر بروز می‌کند.

سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرای پیشرفت و آبادانی مکران از این منظر است که یکی از مهم‌ترین، بزرگ‌ترین و حساس‌ترین آزمون‌های ایران در دنیای جدید به حساب می‌آید.

آزمون بزرگ

سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرای پیشرفت و آبادانی منطقه مکران، آزمون بزرگی است که نشان می‌دهد حکمرانان و سیاست‌گذاران به بلوغ ناشی از درس‌آموزی، دانایی ناشی از تجربه‌اندوزی، شهامت گرفتن تصمیم‌های سخت، و هوشمندی پرسیدن سؤالات سخت و بنیادین درباره چیستی، چرایی و چگونگی پیشرفت و آبادانی مکران رسیده‌اند یا نرسیده‌اند. آنچه در مکران سیاست‌گذاری و اجرا می‌شود باید تناسبی عمیق و وثیق با مسائل ایران امروز، ظرفیت‌های مکران، و شرایط ژئواکونومیک و ژئوپلتیک ایران داشته باشد.

منابع

- ترابی فرد، میلاد. و رزم‌آهنگ، مهدی. (۱۴۰۲ الف) بررسی لایحه برنامه هفتم توسعه: نسبت‌سنجی لایحه با ضرورت جانمایی ایران در نظم جدید جهان. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- ترابی فرد، میلاد. و رزم‌آهنگ، مهدی. (۱۴۰۲ ب) جانمایی جدید و بازتعریف نقش ایران در اقتصاد جهان: خنثی‌سازی تحریم به چه معناست؟ مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- عبداللهی، محمدرضا. و همکاران. (۱۴۰۳) تحلیل تحولات و چشم‌انداز اقتصاد ایران در آستانه تدوین بودجه ۱۴۰۴. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- عظیمی، حسین. (۱۳۷۱) مدارهای توسعه‌نیافتگی در اقتصاد ایران. نشر نی.
- کارل، تری لین. (۱۳۸۸) معمای فراوانی: دولت‌های نفتی و رونق‌های نفتی. ترجمه جعفر خیرخواهان. نشر نی.
- محمدی فرد، حسام. و پناهی، سامان. (۱۴۰۰) تحلیل و بررسی عملکرد اقتصادی مناطق آزاد تجاری صنعتی جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- محمدی فرد، محمدحسام. (۱۴۰۲) مروری بر تجربه مناطق آزاد و ویژه اقتصادی جهان: منطقه ویژه اقتصادی شنژن. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- نجارزاده، رضا.، عاقلی، لطفعلی.، درگاهی، حسن. و بیابانی‌خامنه، کاظم. (۱۳۹۹) «اندازه‌گیری شاخص‌های وضعیت اقتصادی ایران در زنجیره‌های جهانی ارزش و مقایسه با کشورهای منتخب.» فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال ۲۸، شماره ۹۴، صص. ۱۰۱-۱۲۹.
- UN-Habitat (2019) The Story of Shenzhen: Its Economic, Social and Environmental Transformation. United Nations Human Settlements Programme.
- O'Donnell, Mary Ann., Wong, Winnie. & Bach, Jonathan. (2017) Learning from Shenzhen: China's Post-Mao Experiment from Special Zone to Model City. University of Chicago Press.